


سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر

۲۰ صفحه

۴۵

**پیکار**



ما به همراه تمام نیروهای انقلابی و خلقهای مبارز  
میهنیمان توطئه‌کشناز فرزندان دلاور خلق ترکمن  
را که بدست عوامل ارتجاع و امپریالیسم  
صورت گرفته است محکوم می‌کنیم!

دوشنبه ۱۳ اسفند ۱۳۵۸ بهار ۲۵ ریال

## بنی صدر: منطق چماق و نان شیرینی

تحقق بخشید و اشغال بست ریاست توری انقلاب و فرماندهی کل قوا مواضع او را در مجموعه هیئت حاکمه تثبیت و تقویت نمود. اکنون به یقین می‌توان گفت که و نیرومندترین و موثرترین فرد هیئت حاکمه است. بویژه آنکه آیت الله خمینی بدلیل سفید در صفحه ۱۱

بنی صدر، بیامی میری دروغین با انسانی از وعده و وعید و اعتمادا دین نفسی مخصوص به خود، اکثریت عظیمی از توده‌های ناآگاه و متوهم را به بیعت با خود فراخواند. پس از کسب مقام ریاست جمهوری، همچنان فله‌های قدرت را یکی پس از دیگری درمی‌نشورد. کسب مقام رئیس جمهوری، آرزوی ۳۰ ساله او را

**محاومه**  
**محمد تقی شهرام**  
**در آستانه انتخابات**  
**توطئه‌ای پیش نیست**  
صفحه ۱۵

**تجاریبی از کار**  
**نوده‌های انقلابی**  
**در میان**  
**کارگران**  
صفحه ۳

**کشتار رهبران زندانی خلق ترکمن**  
**فقط "ده درصد قاطعیت" است!**

خلق ترکمن داغدار است. چرا که ارتجاع حاکم بیکرش را بچون کشیده است. خلق ترکمن عیادا راست‌گرا کددها نفر از فرزندان دلاور و شجاع افتاده اند. خلق ترکمن خشمگین است. چرا که خشم طبقاتی اش را در وجود هیئت حاکمه بیرونی مشاهده می‌کند. این ارتش کیست که این چنین خانه‌ها را به توب میسند؟ این پاسدار چیست که این چنین بیرحمانه بزرگ و کوچک و بیروخوان را نابود می‌کند؟

هیئت حاکمه میل از اینک ترکمن محرابا را ریش آتش بگیرد، نمایندگان خلق ترکمن را شانه می‌ریا بد. رفقا نوماح، مختوم، واحدی و جراحی درست قبل از راه بیماری مردم، یعنی شب ۱۹ بهمن سه وسیله پاسداران روده و به تهران اعزام می‌شوند. پاسداران کشید روز قتل از راه بیماری، اعلامیه‌ای مادمی کنند و در آن خلق ترکمن را تهدید می‌کنند سفید در صفحه ۲

**گزارشی از سیل خوزستان: خوزستان در آب است، "شورای انقلاب" در خواب است!**  
صفحه ۸

**گزارشی از: میتینگ انتخاباتی سازمان**  
صفحه ۱۶

**انقلاب فوریه روسیه و درسهای آن برای کارگران و زحمتکشان**  
صفحه ۱۰

رسانا بست سالگرد انقلاب فوریه (۱۹۱۷)

- ★ معرفی کاندیدای سازمان در بند رانزلی صفحه ۱۹
- ★ چرا رژیم جمهوری اسلامی از انقلابیون می‌ترسد؟ صفحه ۱۷
- ★ سازمان "سیاسی ایدئولوژیک" توطئه‌ای دیگر برای تفتیش عقاید در رد روتش صفحه ۱۶
- ★ مبارزه قهرمانانه کارگران مینو صفحه ۹
- ★ از معلمین متحصد در سراوان پشتیبانی کنیم صفحه ۷
- ★ چرا ما در ستاد مشترک نیستیم! صفحه ۶
- ★ ارتجاع از خوف زحمتکشان نمایندگان را می‌ریاید صفحه ۴
- ★ دسیسه‌های سرپرست و مقاومت کارگران استیود ورینگ صفحه ۳

**کارگران! زحمتکشان! هموطنان مبارز و نیروهای انقلابی و مترقی!**  
**برای تقویت صف نیروهای خلق به کاندیداهای ما رأی دهید!**

# کشتار فجیع چهار نماینده زندانی خلق ترکمن در تهران

روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۳

## آرامش در گنبد

- در وقایع گنبد ۱۰۰ تن زخمی و ۵۰ نفر کشته شدند.
- توماج یکی از رهبران فدائیان همراه سه تن دیگر دستگیر و به تهران اعزام شد

روزنامه اطلاعات ۵۸/۱۲/۵

### ۴ عضو ستاد خلق ترکمن به ضرب گلوله کشته شدند

بجنورد خبرنگار اطلاعات اجساد چهار نفر از اعضای ستاد خلق ترکمن در ۱۲۰ کیلومتری غرب بجنورد کشف شد.

**هویت کشته شدگان**  
سراز معاینه اجساد مشخص شد که آنان برادر اهلبیت گلوله کشته شده اند. از سوی دیگر یکی از پرستاران بیمارستان گنبد کاووس است. یکی از اجساد را شناسایی کرد و هویت وی را متوابع محمد واحدی بیان نمود. بدنبال این شناسایی و در

بیتاس از پرس و گو گنبد بستگان کشته شدگان بجنورد آمده و هویت متوابعین باین شرح مشخص شد: ۱- تواب محمد دادستان سابق پندر هابس، عضو شورای شهر گنبد و عضو ستاد خلق ترکمن. ۲- عبدالعظیم توماج دبیر لیسانس و عضو ستاد خلق ترکمن. ۳- درخشنده توماج لیسانس، عضو ستاد خلق ترکمن و نماینده این ستاد در فرمانداری گنبد. ۴- جرجانی لیسانس و

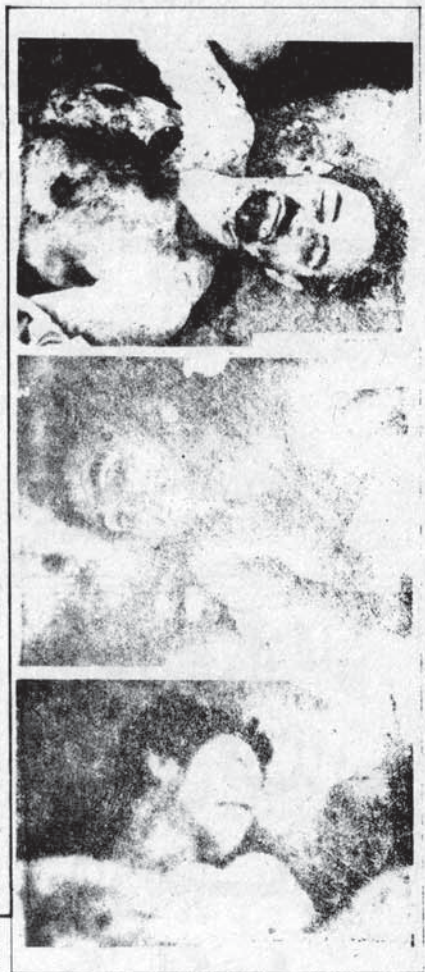
هما نظور که ملاحظه می کنید، دوسریه روزنامه یکی از روزنامه جمهوری اسلامی مورخ ۵۸/۱۱/۲۳ و دیگری از اطلاعات مورخ ۵۸/۱۲/۵ می باشد.

روز ۱۸ بهمن ماه یعنی یک روز قبل از وقایع اخیر کتید، چهارتن از نمایندگان خلق ترکمن توسط پاسداران حامی سرمایه دار روزمین دار در گنبد دستگیر و به تهران اعزام می شوند. تا گفته پیدا است که این چهارتن بهیچوجه نمی توانستند از زندان جمهوری اسلامی در تهران، در وقایع کتید نفی داشته باشند. لکن جلادان ارتجاع این چهارتن را که مورد اعتماد خلق ترکمن بوده و نمایندگان شان را سپرده داشتند، تا جوان سردانه و با شیوه ای فاسد سنی بقتل میرسانند.

روزنامه اطلاعات مورخ ۵۸/۱۲/۴ از کشته شدن نمایندگان خلق ترکمن و پیدا شدن جسد هاشان در ۱۲۵ کیلومتری غرب بجنورد خبر می دهد! یعنی اشرافی که طبق گواهی خود جلادان، در زندان تهران بوده اند، چند روز بعد جسدشان در ۱۲۵ کیلومتری غرب بجنورد پیدا می شود!

ما همراه با خلق داغ دیده ترکمن، این جنایت کتید و اعمالان جنایتکاران در هیئت حاکمه را بدست محکوم می کنیم و از هم میهنان ما را خود میخوانیم که از زنده نهدن تا با ردیگر جنایات کتید بپلوی این بار تحت لوای مذهب تکرار شود.

یادشدهای ترکمن گرامی باد!  
شک و نفرت بر ارتجاع!



سند رصفحه ۱ کشتار رهبران ...

که خلوی راه پیمانی تان را خواهند گرفت. این علامه تیدید است بر ما امقای دادستانی در سطح شهر مستتر می شود. روزنامه پیمانی، او با شان حکومتی و خیره خواران حزب جمهوری اسلامی همراهی عده ای با سدار، بقصد اخلاص در راه پیمانی مردم، توطئه و تحریکات خود را شروع می کنند. ابتدا با سنگ و چوب و سپس رگبار مسلسلها بمان به صدا در می آید. خلق به دفاع بر می خیزد و ارتش با تانک و توپ و خمپاره به کمک پاسداران شرافتمند و پیکار ترکمن - نشن کنند با ایست و راکت و خمپاره به ویرانه های بدل می سازند. نتیجه: دهها کشته و صدها زخمی و هزاران نفر آواره، هدیه ای است از طرف رژیم جمهوری اسلامی ایران به خلق شتمند ترکمن! با بقول آقای بنی صدر "ده در صد از فاطمیت رژیم!" لکن این جنایات بهمن جا خاتمه نمی یابد.

چهار نفر از نمایندگان خلق ترکمن که در زندان اوین و در اسارت رژیم جمهوری اسلامی ایران بودند بقتل می رسند و اجسادشان در کناره راه بین گنبد

لکن وقتی که این آقایان مرتجع متوجه شدند که توده های آگاه بی به حقیقت ما چرا برده اند، پستار مدعی شدند که گویا عده ای مسلح بقا بیدار به زندانیان حمله کرده و آنها را برده اند! البته برای اینکه این دروغ را بهر ترتیبی که شده به مردم بقبولانند، دست به اختراع گروه موهومی بنا "فدائیان خلق

و بجنورد دید می شود. طبق اطلاع متوابع، جوپانی که در نتیجه ای اطراف جاده مشغول چرای گوسفندانش بوده، آمبولانسی را دیده که اجساد در آن محل رها کرده اند. آدمکشان جمهوری اسلامی، اگر چه جنایت بیکی را از اوک با خوبی آموخته اند، لکن هنوز در برده بوشی جنایات خود مهارت لازم را ندارند و

● سخنگوی سپاه پاسداران ابتدا مدعی شد که چهار رهبر شهید ترکمن در جریان درگیری گنبد کشته شده اند. بعد که متوجه شدند دروغشان نگرفته است، گفتند در حمله به ماشین پاسداران این چهارتن روده شده اند! بعد هم به اسم گروه موهومی بنام "فدائیان خلق ترکمن" اعلامیه دادند. اما برش خلق این است اگر راست میگویند چرا بلافاصله پس از روده شدن این چهارتن آنرا اعلام نکردید؟!

ترکمن میزنند و اعلامیه های معمولی را منتسب به این گروه "در روزنامه ها بجا میرسانند. لکن نامه جمهوری اسلامی در این میان بیش از همه اصرار دارد که این گروه "خود ساختار علم کنند. ما این جنایت کاران فقط به یک سوال جواب دهند: چرا همان موقع که بقا بداران به آنها حمله کردند و چهارتن را برودند خبر آنرا اعلام نکردند؟! آنچه مسلم است، سپاه پاسداران و خامنه ای عامل اجرای این توطئه کتید بوده اند، جنایتی

چنین است که با تناقض گوئی های ناشیانه ای، خود را لوم می دهند.

سخنگوی سپاه پاسداران ابتدا مدعی می شود که این چهار زندانی، به گنبد با زگردا ندهنده و سپس گویا در درگیری کتید کشته شده اند. آنجا که دروغگو کم حافظه نیز هست، این آقای سخنگو فراموش می کند که زمانی که نمایندگان خلق ترکمن در زندان وین بودند، طبق گفته هیئت حاکمه درگیری های کتید تا تنه ای فتوشهر در اختیارش جمهوری اسلامی بوده است (روزنامه جمهوری اسلامی ۵۸/۱۱/۲۵)

بقیه در صفحه ۱۳

# برقرار باد جمهوری دموکراتیک خلق

# جنبش کارگری



## دسیسه‌های سرپرست و مقاومت کارگران استیودورینگ

از روز سه شنبه ۲۳ بهمن شمی بنام اسلامزاده از طرف دادگاه انقلاب و سپاه پاسداران سرپرستی شرکت استیودورینگ گماشته میشود. شخص مذکور پس از شروع کار بخشهای ما در کرده و طی آن مطرح می کند که من از موقع تحویل کار مسئول بوده و کاری به طلب گذشته کارگران از شرکت ندارم.

کارگران که ما به الحاق و تفویض (یک پی) حقوق خود را از اول فروردین ماه تا امروز دریافت نکرده بودیم بودند در مقابل این بخشها از خود عکس العمل نشان داده و روز چهارشنبه ۲۴ بهمن دست از کار کشیده و اعلام اعتصاب کردند.

در نتیجه اعتصاب کارگران امر تخلیه و بارگیری کبیری کشنی ها متوقف شد. کارگران پس از تعطیل کار از محوطه بندر خارج شده و به دفتر مرکزی شرکت واقع در خیابان فردوسی رفتند. تحت فشار کارگران مقامات محلی بخشها را جمع آوری و میکنند اما کارگران به این امر اکتفا نکرده و خواستار استعفای سرپرست شدند. در نتیجه فشاری کارگران مسازر استیودورینگ سرپرست شرکت مجبور به استعفا شد.

کارگران مبارزانما بنده فرمانداری میسی - خواجه کده با شهران تماس گرفته و رسولی رئیس انجمنی شرکت استیودورینگ را از اعتصاب کارگران و خواسته های آنها مطلع سازد. اعتصاب کارگران کماکان ادامه دارد.

دو خواست اساسی کارگران مبارز شرکت استیودورینگ خرمشهر عبارتند از:

۱ - رسمی شدن و تقویت کارگران زیربوستی اداره بندر.

۲ - پرداخت ما به الحاق و تفویض (یک پی) حقوق از اول فروردین ماه تا بهمن ۵۸.

پیروزی دما رزاق طلبانه کارگران ایران!

(سپل از کمیته محلی سکار کمیسر خوزستان شماره ۱۱).

سودنما تبلیغ و فشاری زیبا و اوزا کندش کردید. بعد از این جریان بود که آنها بیش از پیش منفر و منزوی شدند.

در این میان کارفرما نیز با کمک جاسوسان نتوانسته بود در پی آنها را در میتینگهای نیروهای انقلابی بگیرد. ولیست تعداد زیادی از روشنفکران و کارگران پیشرو را برای اخراج تنه نمود. بنا اخراج دوتن از روشنفکران (به بهانه غیبت زیاده و غیرموجه). بقیه روشنفکران و کارگران جدید دست به اعتراض می زنند، اما پس از مدتی توسط برخی از کارگران از سالن بیرون رانده میشوند و از آن پس بعد از کارخانه نیز از همان نمی دهند. از آن پس کوششهای آنها برای بازگشت به سرکار شروع میشود.

## تجاریبی از کار توده‌ای انقلابی در میان کارگران

را دوست می داشتند. کارگران این کارخانه حتی در دوران قیام که بسیاری از کارخانه‌ها در تعطیل بودند، با وزود روشنفکران و چند کارگر جدید که در حدود ۱۰۰ نفر می شدند، جو کارخانه بکلی تغییر کرد. خواسته‌هایی که کارگران جدید مطرح می کردند، کارگران قدیمی را به تعجب و امید داشت. بطوریکه کارگاههای اظهار می کردند: "جدیدی ها جقدر بر توقع

بدنیال نکست می چریکی، می ای که بجای بردن آگای های ترویجی و تبلیغی (سوسیال دموکراتیک) درون جنبش طبقه کارگری و سوسیال آن، عناصر پیشروی طبقه کارگران نیز از کارخانه بیرون کشیده و به چریک حرفه‌ای تبدیل میگردد. بسیاری از روشنفکران انقلابی بمنظور تماس با جنبش کارگری و انجام کارها هکرا نه، توده‌ای انقلابی به درون کارخانه‌ها روی می آوردند. اما برخی از آنها بعلت

- با وجود یک بسیاری از روشنفکران انقلابی جامعه ما با جنبش چریکی و جدا از توده و مزیندی نموده اند، اما بعلت نداشتن درک درستی از مضمونی توده‌ای انقلابی همچنان اعمالشان جدا از توده می باشد.
- مادامیکه روشنفکران ما همچنان با دید نجات بخشند، توده‌ها - بدون توجه به این واقعیت که از توده‌ها نیز باید آموخت - میان آنها میروند، نمیتوانند موفقیتی بدست آورند.
- پیشاهنگ واقعی باید با توجه به وضعیت توده‌ها و ارزیابی از خواستها و نیازهای آنان همگام و تنها یکدم جلوتر از آنها حرکت کرده و نقش رهبری مبارزات آنان را بعهده بگیرد.
- صحت و سقم یک حرکت در پیروزی و یا شکست کوتاه مدت آن نیست، آنچه مهم است جنبه دراز مدت و اصولی آنست.

هستند". عمده‌ترین اشکال روشنفکران در این زمینه این بود که هیچگونه تلاشی جهت توضیح و توجیه خواسته‌ها و نیز برحق بودن آنها برای قدیمی‌ها و طلبانما دوشنبه‌ای آنان نمیگردد. مسئله قدیمی و جدیدی جزئی بود که از همان روزهای اول مطرح شد و اعمال جدا از کارگران روشنفکران، آنرا از من زده و تشدید میگرد. حرکت‌های دسته جمعی ولی جدا از بقیه کارگران رفقا (رفتن بیش نماینده برای اضافه حقوق، رفتن بیش کارفرما برای گرفتن تعطیلات تابستانی و...) جو کارخانه را متشنج کرده بود و کارخانه دیگر حالت سستی و سکوت قبلی را نداشت. در این میان چپ روی عده‌ای از رفقا، باعث تفرقه بیشتر شد، و آن بخش اعلامیه‌هایی بود که در آن شورا را محکوم کرده بود. این اعلامیه بدون در نظر گرفتن شرایط، بدون افشای لازم و کافی شورش را که مورد قبول اکثریت قریب به اتفاق کارگران بود، ضد کارگری و همدست کارفرما می نامید. یکی دیگر از پیروان چپ و نادرست رفقا، بر خورد با انتخابات شورا بود. زمانیکه شورا بعلت بی اعتبار شدن و شناخته شدن عناصر ضد کارگران قصد تجدید انتخابات را داشت این رفقا بکنفران از میان خود معرفی کرده و بی توجه به خواست و نظر کارگران قدیمی که با این جریان مخالف

نداشتن درک دید درستی از کار درون جنبش طبقه کارگری و نیز کمی تجربه و... در کارخانه نیز بجای بسیج و تشکل کارگران بمنظور پیشبرد خواسته‌های صنفی - سیاسی آنها، خود به تنهایی و بجای آنها به مبارزه دست زده و چون از حمایت کارگران برخوردار نشدند تلاشی نشان به شکست انجامید. تجارب و جمعیتی ها شیکه در این زمینه بدست آمده، میتواند به آندسته از رفقای که به امر تماس با جنبش کارگری و توده‌ای همت گمارده اند، کمک زیادی بنماید. گزارش زیر که یک مورد از اشتباهات رایج را مورد بررسی قرار داده، به همین منظور درج میشود.

بدنیال روی آوری روشنفکران انقلابی به نارسایی توده‌ای در کارخانه‌ها، تعداد زیادی از این روشنفکران نیز به کارخانه‌ها آمدند. ضعف تشویریک، کمی تجربه، نداشتن درک درستی از کار میان کارگران که در تمام رفقا عمومیت داشت و نیز بدلیل نبودن اغلب آنها در یک تشکیلات منسجم که به اشکالات وضعی آنها برخورد کرده و خط درست را نشان دهد، اشتباهات آنها بتدریج تکرار شد تا به اخراج آنان و گذاشتن تاثیرات درست روی بقیه کارگران منجر گردید. جو عمومی کارخانه، ما عقب مانده بود و کارفرمای آن طی سال استثماتوری رفتار کرده بود که عده زیادی از کارگران قدیمی و

# پیش بسوی ایجاد حزب طبقه کارگر

# ارتجاع از خوف زحمتکشان نمایندگانشان را می‌باید!

کارگران و زحمتکشان مبارز!  
 ● بیگانه‌ها نمی‌توانند نشان داده، با  
 افتخار آماده است خواسته‌ها و مسابرات  
 شما را در صفات خود متعجب شما بد.

ضمیمه می‌گردد (۳) بیان می‌کنند، در این روز مسئله حقوق کارگران که طبق قانون خود این دولت باشد روزی ۵۶۷ ریال یا شصت و یک از خواسته‌های اصلی کارکنان بود و از طرف عوامل دولتی مورد مخالفت فرار می‌گرفت، تصویب گردید. عسگری به نمایندگی کان می‌گردد که از این بیان کارگران دل می‌سوزانند. اینها همان کسانی هستند که در جاهای زندگی کرده‌اند، بزبان زیاد فرقی نمی‌کند که چگونه زندگی کرده‌اند، ما هم دهنده فرزندان محل آنها نیز با بد روزی ده کیلومتر پانزده تا مدرسه طی کنند، تا قدر بیان را دریافته بدانند !!

عسگری که دیگر زست انقلابی ما با نه خود را از دست داده است و کاملاً در مقابل خواسته‌های حقوق کارگران ایستاده، دست به توطئه دیگری می‌زند. کارگران و کارمندان که در بی‌ایجاد شورای خود بودند با مخالفت عوامل دولتی و عسگری روبرو می‌شوند تا آنجا که سعید مصطفوی (از اعضاء جبهه دانشجویی در کشت و صنعت) می‌گوید: شورا چیست؟ الان تمام ارگانهای سیاسی مردم روبه‌فناست چون دولت دیگر نفع مردم کار می‌کنند!! و دیگر احتیاج به ارگان‌های مردمی نیست و در رأی‌بردنهای مصطفوی مدیرعامل (عسگری) تا کی می‌کند ما ها که اینجا نشسته‌ایم خود شورا هستیم و احتیاج به تشکیل شورا نیست. با وجودیکه عوامل دولتی و عسگری وعده طبقه‌بندی مشاغل را با کارگران می‌دادند، اما عسگری تا به امروز که به تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷ از طرف شیپانی (وزیر سابق کشاورزی) نوشته شده است نشان می‌دهد که در آن دستور صریح به عسگری داده است که تا تعیین تکلیف وضع شرکت از طرح طبقه‌بندی مشاغل کارگران جلوگیری نباید!

با وجود مخالفت اینان، انتخاب شوراها در واحدهای کشت و صنعت انجام گرفت. بعد از انتخاب عسگری و سایر بر زمین نداشت دست و پا می‌افتند. عسگری به زمین‌ساز و تکنیسین‌های کشاورزی دعوت می‌کند بقیه در صفحه ۱۴

باید آموختن بگیرند. استعفا، تنه‌جواب می‌نمایند. بسیاری از روسای کارگران انقلابی جامعه ما اگر چه با بدین دست‌رسان مبنی حرکتی با آن مرزبندی نموده و به‌سی نوده‌ای انقلابی روی آورده‌اند، اما از آنجا که آنها نمی‌توانستند پیش‌وگرایان نادان خود را یکسره محصص کنند، در عمل به برخورد های غیر-نوده‌ای و از بالای خود ادامه می‌دادند و چیزی که واقعاً فکر آن نمی‌آید، اینک از نوده‌ها نیز باید آموختن بگیرند.

گزارش زیر از طرف گروهی از کارکنان کشت و صنعت دشت مغان که نمایندگان نشان بوسیله عوامل ارتجاع به طرف کارکنانهای روسته شده اند و تا تاریخ ۵۸/۱۲/۵ همچون اطلاعیه از آنها بدست نیامده برای پیکار فرستاده شده است.

زیودن و کشتن نمایندگان و رهبران کارگران و زحمتکشان اینک در ریه سیاست رژیم جمهوری اسلامی تبدیل میشود. کشتار جناحینک را به رهبران دلاور خلق ترکمن، رفقای شهید تو ماچ، مخوم، واحدی و جراحی و روسون نمایندگان کارکنان کشت و صنعت دشت مغان، نمونه‌هایی از این سیاست ضد خلقی را بنمایش می‌گذارد:

یکوشیم این سیاست خائشان را هر چه بیشتر برای خلقهای قهرمانان افشا کنیم.

## درکشت و صنعت دشت مغان چه می‌گذرد؟

بعد از آغاز شوروی (مدیرعامل قبلی کشت و صنعت دامپوری مغان) که با همه دود و دوزخ‌های و خوش-رفقی بدولت نتوانست در منصب خود باقی بماند و بجای دیگران انتقال یافت، عسگری رئیس جبهه دماز-ندگی آذربایجان شرقی یکی از گردانندگان مجاهدین انقلاب اسلامی است. تا حفظ سمت به مدیرعاملی کشت و صنعت دشت مغان انتخاب گردید. عسگری که در تبریز تحمل اداره جبهه دانشجویی را بصورت شورائی قبول نداشت وظیفه مخالفت خود با این امر باعث بگفته استعفا و تعطیل تمام کارگاههای جبهه در استان آذربایجان شرقی شده بود. این بار با حفظ سمت رئیس جبهه دانشجویی، سر از دشت مغان در آورده و مدیرعامل کشت و صنعت گردید!

عسگری با زبانه‌های انقلابی ما با نه شروع به تهدید عناصر مترقی کردولی در برابر صف متحد کارگران و کارمندان نتوانست دوام بیاورد و ماهیت واقعی یعنی ضد انقلابی خود را نشان داد.

در کرده‌های که در تاریخ ۵۸/۱۱/۷ صورت می‌گردد کارمندان کشت و صنعت خواستار ما به التفاوت طبقه‌بندی مشاغل که در تاریخ ۵۸/۷/۱ صورت گرفته است می‌شوند. صبح روز ۵۸/۱۱/۱۸ کارمندان و کارگران در دفترها ممان و مالی شرکت تحصن میکنند. همه تهدید می‌کنند که اگر تحصن شما ادامه یابد ما به شما با سدا را این تحصن را داغان خواهد کرد. کارکنان روی خواسته‌های خود با فشاری کرده‌ها تا تاریخ ۵۸/۱۱/۲۴ به مدیرعامل فرصت می‌دهند. کارکنان و کارمندان در روز ۵۸/۱۱/۲۴ دوباره جمع میشوند و خواسته‌های خود را بصورت قطعنامه‌ای که به پیوست

مثلاً همه روز هملوی کارخانه استاده سعی میکنند با اعتراض بداخل کارخانه برگردند، متأسفانه به علت رفتار جدا از کارکنان این رفتار، عوامل مزدور کارفرما براحسب از کارکنان امضا جمع کرده و آنها را اجراج می‌نمایند! این عده پس از چند روز در ایستادن و جلوگیری کارخانه رفتن، سرانجام با هم‌نمایی که در کارخانه کارگران می‌شود تصمیم می‌گیرند که از طریق بیان اعلامیه در میان کارکنان داخل کارخانه و در توضیح وضع خود، بنیاسی و بطور کارکنان را سوسی خود جلب نمایند. تلاشهای گوناگون این رفتار، حتی با تشکیل مجمع عمومی و نحرانی برای کارکنان به نتیجه مطلوب نمی‌رسد و همچنان بخشی از کارکنان با بازگشت آنها مخالفت می‌کنند. پس از مدتی تعدادی از کارکنان بندرسج سبیده داده و به کارخانه می‌گردند و بقیه نیز بعد از استعفا، تنه‌جواب می‌نمایند.

بسیاری از روسای کارگران انقلابی جامعه ما اگر چه با بدین دست‌رسان مبنی حرکتی با آن مرزبندی نموده و به‌سی نوده‌ای انقلابی روی آورده‌اند، اما از آنجا که آنها نمی‌توانستند پیش‌وگرایان نادان خود را یکسره محصص کنند، در عمل به برخورد های غیر-نوده‌ای و از بالای خود ادامه می‌دادند و چیزی که واقعاً فکر آن نمی‌آید، اینک از نوده‌ها نیز باید آموختن بگیرند.

ما دایمیکه روسای کارکنان ما همچنان با بدین نجات بخنده نوده‌ها همچنان آینه روند، نمی‌توانیم آنها را بصورتی نوده‌ای انقلابی نام نهاد! آری بسیاری از روسای کارکنان مادری درستی از منی نوده‌ای انقلابی ندارند و بعلت کودکی جنبش کمونیستی با مدینه‌نمایی سبب جریکی (جدا از نوده) در میان آنها باقی خواهد ماند. پس امر با آموزش نوده‌ای انقلابی و محک زدن آن در عمل تغییر خواهد یافت. بر اساس چنین سببی است که این رفتارها از ابتدای ورودشان به کارخانه، ما دست به اعمال جدا از سایر کارکنان زده و خوشحال و راضی بودند که برخی از حقوق صفتی خوش را بدست آورده‌اند! بدون توجه به اینکه نگافی بین خود و کارکنان ندیمی بوجود آورده‌اند. اینها بجای برگردن شکاف مذکور از طریق تماس با کارکنان قدیمی و برخورد مغان با آنها و انجام کارها اقتصادی و توطیخی و کسب اعتماد آنها، مبارزه جدا از دیگران خود را شدت بخشیده و معتقد بودند که مبارزه آنها دیگر کارکنان را نیز آگاه خواهد نمود و آنها را نیز به مبارزه خواهد کشاند. این همان تصویر باطل و بیپوده‌ای بود که بیروان مبنی جریکی نیز بدان معتقد بودند. اما همانطور که می‌توانی تهاوتی نوده‌ها نسبت به مبنی جریکی، خودیکی از دلایل نادرستی آن بود، در اینجا نیز بی‌تفاوتی کارکنان تا غل نسبت به اجراج اینها و حتی درموردی مخالفت با بازگشت آنها، نادرستی بینش و اعمال آنان را طی ماهها کارکنان کارخانه به اثبات میرسانید. این رفتار توجه نمی‌کردند که پیشا هنگ واقعی با بدین حرکت از وضعیت نوده‌ها و بر اساس نیا ز آنها بقیه در صفحه ۱۴

# ۴۰ ساعت کار در هفته برای کارگران

## حرفهای زحمتکشان از ثریات زحمتکشان



### درافشای رژیم

شماره ۳ "بیک بیوش" نشریه گروهی از کارگران کا رخا نه بیوش، اخیراً بهمراه همیمه ای منتشر شده است. در همیمه این شماره کارگران منازجه فضای تعدادی از عمارت مرقد کارگروا بسته به رژیم سابق برداشته اند. این افراد که با مبارزات کارگران از این کارخانه اخراج شده بودند، اکنون سرپستیهای دیگری گسارده شده و در پاره ای موارد حتی ترفیع و پاداش (!!) نیز گرفته اند. در زیر قسمتهایی از همیمه این شماره را نقل میکنیم. ابتدا به اسامی افراد مذکور توجه کنید:

- مهندس جزایری: مدیرکل سابق قسمت حوله و بلوجین، که در موقع انقلاب میخواست کارگران را اخراج کند ولی با مقاومت و مبارزه کارگران رنگ - رزی حوله مجبور شد حرفش را پس بگیرد. وی بعد از اخراج از کارخانه مدیریت کل "کارخانه نازخ" شد. در آنجا نیز کارگران نازخ با مبارزات خود او را بیرون کردند و حالا مهندس جزایری مدیرکل وزارت کشور است. او بنا بر زکی بعنوان نماینده وزارت کشور در شورای عالی حل اختلاف وزارت کار و شرکت کرده است. او بخاطر مرقد کارگروا، حیف و میل اموال، بندوبست با مقاطع کارها و عدم لیاقت ۱۱۴ هزار تومان "پاداش"

گرفته است!!  
- مهندس نبیا تنجیان: مدیرعامل سابق ریسندگی. او در زمان اعتماد به ما میگفت "کاری نکنید که ادرش و پلیس را به کارخانه منبیا ورم". اداره کار به او ۱۲۰ هزار تومان پاداش داده است!!

- درکی: رئیس کارگری و ما مورسا واک. او جماعت سرکوب قانونی سرما به ادرسود، رابطه با واک و کسی که ژاندارنها را برای درهم شکستن اعتصاب و بیخون کشیدن کارگران دعوت کرد. کسی که به دختران کارگر چشم داشت، یکی از کارگران میگفت: "هنا نظور که آدم دم موش برده را میگنند و منبیا ندادن توی نطسمل آشغال، ما هم "درکی" را گرفتیم و بیرون انداختیم" با این وجود، حکومت جمهوری اسلامی به درکی ۸۰ هزار تومان پاداش داده است.

- شیخ بهائی: مدیرعامل سابق کارخانه. او نماینده مالی کارفرما بود و بخاطر خدمت به سرما به - داران و ضدکارگروا بود. ۸۲ هزار تومان جایزه گرفت و ی هم اکنون مدیریت کل کارخانه "نازخ" ترویسن میباشد.

- دکتر شیرسوار: مدیرعامل سابق کارخانه نجاست بیوش، هم اکنون مدیرکل ساجی سازمان کسترش و نو سازی شده است.  
- مهندس عمید: رئیس سابق بافندگی حوله، اکنون

مدیرعامل یک کارخانه درسا و شده است. این شغل از طرف سازمان صنایع و معادن به او داده شده است. مهندس کا تو زبان: رئیس سابق انبار شرکت، اکنون از طرف صنایع و معادن رئیس یک کارخانه شده است. این آقایان را ما با مبارزات خود بیرون کردیم ولی از طرف حکومت جمهوری اسلامی به آنها مقامهای بالایی داده شده است. دادن این شغلها مهم و مقامهای دولتی نشان دهنده این است که حکومت جمهوری اسلامی برخلاف ادعای خود که میکوبد حا می مستضعفین و زحمتکشان است. حامی سرما به داران و دزدان و ونوگران آنها میباشد...

حکومتی که ادعای دفاع از زحمتکشان را میکند، چرا در راه کارها عوامل سرما به داران وابسته به امپریالیسم را میگذارد؟ دشمنانی چون بسزوی، نخب زاده، جمران، صباغیان، طبا نطاشی و مدنی و مثال اینها.

پس این حکومت نمیواند مدافع حقوق کارگر - ان و زحمتکشان باشد.

حکومت مدافع زحمتکشان حکومتی است که در راست آن نمایندگان کارگران و زحمتکشان باشند. کارگران مبارز!

همانطور که سرما به داران سعی میکنند سراسری حفظ منافع خود و دولت و حکومت خود را نگهدارند، ما هم باید خواهان حکومت کارگران و زحمتکشان باشیم و با اتحاد خود با شکل دادن به مبارزه خود و بسن ما رزدها نم، حکومت کارگران و زحمتکشان را بوجود آوریم تا ظلم، ستم، و نا برابری برای همیشه از جامعه خود ریشه کن کنیم.

مرکز امپریالیسم و سرما به داری و بسزوی  
بسزوی را د مبارزات کارگران و زحمتکشان

### جاسوسان باند المراقبون در میان کارگران بیکار کرج!

دومین شماره بیک کارگران بیکار، در نیمه دوم بهمن ماه انتشار یافته است. در این شماره مطالبی تحت عنوان "هدف از انتشار نشریه" مبارزه کارگران بیکار علیه اخراج بیکاری، "گونه شورای انقلاب به فتوایهای افغانی کمک میکند"، "جاسوسان باند فاشیستی المراقبون در میان کارگران بیکار کرج" و نیز چند اعلامیه و خبر کارگری درج شده است. در زیر مطالبی از این شماره نشریه را میخوانید:

"مدتی است که باندی بنام المراقبون در کرج تشکیل شده است. این دارودسته که بقول خودشان برای مبارزه با آمریکا به آموزش نظامی افرادی - برداردن دولتی در حقیقت کارشان این است که علیه نیروهای مترقی و بخصوص کارگران تحریک و اعمال ضد انقلابی بکنند. از جمله کارهای این باند ضد کارگری: بهره بردن اعلامیه های کارگری و نیروهای مترقی که بر روی دیوار شهر نصب میشود، تنها اعلامیه های حزب جمهوری اسلامی محفوظ میماند. تا زکیبنا نیز افراد خود را میان کارگران بیکار کرج که در کارهایی جمع میشوند

می افتند. وی در گذشته می شود. با این ترتیب - کارخانه های بی سرپرستند. کارگری خان بسزوی - سرما به دارها برای ما کارگران و زحمتکشان با اداره بسزوی هم ارزش قابل سیستمند. ما مثل جکین بسدان نیایم... در دست آنها هستیم. نه زندگی ما بر استان بس است نه زن و بچه ما. با وقتی خان داسه ما ستم از ما کار میکنند. وقتی هم نتوانیم مثل نگاله بسزوی - نما می کنند. برای آنها مهم نیست که بسوا رسوده اگر باره شود چه فاجده ای سار می آورد. برای آنها این مهم است که از این نوار بسزوی بگرو زحمتکشان استفاده ببرند. حال اگر بسوا رها رهندو کارگری کند - ستم نیست. بسرکت دولت حامی خود است، میلیسویا بیکار رو خود را که با مزد کمتر جایش را میگیرند و بس برکت همان دولت، این جنایت حادثه شمرده میشود. اینست نظام سرما به داری وابسته. ما این نظام را بد از این حوادث زیبا داشت. فقط درسا به دولت کارگر - ان و زحمتکشان، یعنی جمهوری دیکراتیک خلق است که دیگر نخواهند گذشت که کارگران فدا می مافسح سرما به داران شوند. فقط در چنین حکومتی است که در آن سرما به دارها به چپا ربیختن میکشند و بسوا ه کارگران آخر عمر تا منمین خواهد بود. در چنین دولتی است که روز بروز قدرت سرما به داران کم تر و کمتر خواهد شد. ■

میفرستند تا برای فرمانداری جاسوسی نمایندگان آرتیزر با بدخاطر نشان کنیم که تمام این جریانات تحت رهبری فرماندارانجام میشود. با ند... نمی فهمد که ما کارگر - ان و زحمتکشان رژیم شاه را با ساوک و هزار نفری اش نابود کردیم. با ند... المراقبون راه هم بسوا ه سیستم سرما به داری و وابسته بگورستان تاریخ میفرستیم.

### "باز هم کارگر فدا می منافع سرمایه دار"

"پنجمین شماره فربا دوز و آ با نشریه گروهی از کارگران و زحمتکشان تیه زور و آ با کرج اخیراً انتشار یافته است. در این شماره مطالبی تحت عنوان "تظاهر ات کارگران بیکار کرج و حمایت زحمتکشان زور و آ با د از آنها"، "آلونیکهای بالای تیه"، "قطب زاده هم عابد شده"، "کارگران، زحمتکشان بیدارند، از هر دو حزب بسوا رند" و "باز هم کارگر فدا می منافع سرما به دار" آمده است. ما مطلب آخری را از این نشریه در زیر نقل میکنیم: باز هم فاجعه دیگری برای یکی از دوستان کارگر بوجود آمده. این کارگر در کوره بسوا ه کرج کار میکرد. زمانی که آجرها را از روی نوارها رکا میگرداند، نوار بعلت بسوزدگی با رده شده و روی سراسر رقیقان

قانون اساسی "خبرگان" زنجیر است به پای زحمتکشان

# خلق ها و مسئله ملی



## چرا ما درستاد مشترک نیستیم!

علامه زراسرنا حوره: «سختی زمان در رابطه با ما در عسکری غیرا مولتی رفتای فدائی (در سفروستندج) و غیره موجهتری خصما بد: حرب دموکرا تا نسبت به ما که در زمان ما در سنا دسترک سمسرموده که ما ...»

تقریباً در هر یک از این موارد و دلایلی بار دیگر ...

برای این اوضاع و احوال ما آرا موضوعه ما می ...

در جلسه ای که در دفتر حزب تشکیل شده بود شرکت ...

نما شیم. مسئول حزب در پاسخ میگوید که: ما بدستور کمیته مرکزی بهیچوجه نمیتوانیم با پیکار همکاری کنیم. رفیق مسئول "کومه له" روی ضرورت شرکت ما و وحدت نیروها تا کیدزیا دی میکند. مسئول حزب سرانجام میگوید که لایحه اینطور است ما و جریکها اقدام می‌شویم و یک قسمت از شهر را اداره می‌کنیم و کومه له و پیکار هم که بیکدیگر نزدیکتر هستند قسمت دیگری از شهر را اداره کنند. نما بنده ما غلط بودن این طرح را توضیح میدهد. در آخر قرار بر این میشود که اطلاعیه ستاد مشترک موقتاً تکثیر و پخش نشود تا مسئول حزب با افراد دیالانتر تماس گرفته و نتیجه را روز جمعه اطلاع دهد. اما در کمال تعجب غروب همه نیروها در حضور تعدادی از مردم خیر تشکیل ستاد بیست بلندگویی دفتر کومه له بخش میگردد. این عمل خود خلاف توافق بود که در دفتر حزب صورت گرفته بود که مورد اعتراض شدید نما بنده ما قرار میگردد. بعد از بحث و گفتگوی فراوان مجدداً قرار بر این میشود که شب در مسجد جامع در حضور مردم خیر تشکیل ستاد دوسویه: نیروهای سیاسی - نظامی مترقی مطرح گردد. بدون اینکه نامی از تشکیل دهندگان آن برده شود. تا روز جمعه در گفتگوی دیگری جریان امر بیشتر روشن میگردد. روز جمعه ساعت ۴ بعد از ظهر در دفتر حزب دموکرات جلسه ای با شرکت نمایندگان (کومه له - جریکها - حزب اوبا حضور دو نفر از رفقا یا تشکیل می‌گردد که در این جلسه نما بنده حزب نظرات همیشگی خود را تکرار می‌کند. نما بنده: فدا شیباهمی می نمود با پیش کشیدن بحثهای انحرافی موجودیت ما را به گونه ای زیر سوال برده و نظر خود را به نکلی مطرح می نمود که عملاً به عدم حضور ما در ستاد منجر گردید. نما بنده کومه له نیز علیرغم صراحتی حضور ما بر - خورد جدی وقایع با این امر تکرر و سرانجام به دنبال روی از حزب کشیده شده و چنین می گوید: اگر شما هم در ستاد مشترک نباشید ما این ستاد را تشکیل خواهیم داد.

مردم مبارزین! این بود مختصری از آنچه که در جریان ستاد مشترک گذشته است. ما با مطرح نمودن موضع خود در قبال تشکیل این ستاد و ما را به داری و فعالیت در این مورد فدا می خواهیم: از نظر ما عدم موافقت حزب نسبت به حضور ما در ستاد با توجه به ما هیت این حزب امری واضح بوده. چرا که ایمن حزب همواره سیاستهای سازشکارانه اش را دنبال نموده است و بطور مشخص موضع اخیر این حزب در جهت سازش با هیئت حاکمه و رئیس جمهور جدید و نهائناً

### اعتراض دانش آموزان کرد

#### به سخنان بنی صدر

#### مهاباد

روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۸ بنا به تصمیم مجمع دانش آموزان (شورای دانش آموزان) مدارس شهرستان مهاباد، دانش آموزان این شهرستان اعتراض به سخنان شب گذشته بنی صدر، رئیس جمهور، دست به یک راه - پیمائی زدند. شعارهای دانش آموزان عبارت بود از: بنی صدر حرف توپش بگیر، ما تجزیه طلب نیستیم مرگ بر آمریکا، دشمن اصلی خلق ما نظامیست. نمایندگان سپید در میدان قاضی محمد جمع شده و چند تن از اعضای شورای دانش آموزان در مسورد سیاست کنونی دولت دربرخورد به مسئله کردستان سخنرانی کردند. دانش آموزان در حالیکه شعار می - دادند ما تجزیه طلب نیستیم، ما صلح طلب هستیم، بتدریج پراکنده شدند. ■

بشت کردن به منافع خلق کرد، حکایت از ما هیئت این حزب می نما بد لذا این موضع حزب را در مقابل سازمان ما که راه را برای هیچگونه سازشکاری بسا هیئت حاکمه باقی نمی گذارد و خواهان مبارزه فعال و واقعی بر علیه دشمنان خلق کرد می باشد طبیعتی می دانیم. در اینجا نیز حزب منافع واقعی توده ها را فدای منافع حزبی خود می نماید. در اینجا سوال ما از کومه له این است با وجود اینکه معتقد بودیم که سازمان ما به عنوان یک سازمان مترقی و انقلابی با بنی صدر در ستاد مشترک حضور داشته باشد و با وجود اینکه ما هیت حزب دموکرات و حرکات اخیرش به خوبی برای رفقا روشن گشته بود، ولی عملاً عدم شرکت ما را به شرکت حزب دموکرات در این ستاد در توجیه دادند. اما در مورد تشکیل فدا شیان خلق در سقز:

موضع التقاطی و بینا بنی صدر و غیرا صولی که این رفقا در جریان تشکیل ستاد داشتند، بهیچ وجه جدا از مجموعه سیاستها و موضع گیریها ن چه در کردستان و چه در سایر نقاط ایران نمی باشد. همانگونه که ذکر شد، نما بنده: فدا شیان س می نمود موجودیت ما را به گونه ای زیر سوال برده و در جهت عدم شرکت ما در ستاد حرکت نمایند. بله، برای این رفقا بسا توجه به خصائل خود مرکز بینا نه و رهبری طلبان نشان همواره مسئله اساسی صرف وجود خودشان می توانست معنا داشته باشد. ... تلاش در جهت وحدت انقلابیون برای این رفقا هیچ مفهومی نمی توانست داشته باشد. همانگونه که ذکر شد موضع اخیر این رفقا جدا از گرایشات و انحرافات این سازمان چه در رابطه با مسئله هیئت حاکمه و چه مبارزات انقلابی خلقها و چه در رابطه با سازمانها و نیروهای انقلابی نمی - باشد. بطور مثال در جریان تحم مردم مبارزین ستاد نما بنده: این سازمان در حضور تعداد دکتیری از مردم بدون اینکه ذره ای احساس مسئولیت کند... سازمان ما را در ردیف "سپاه زرگاری" قرار داده و ما را نیروی فدا می خطاب می کند. ■

**برقرار باد خود مختاری خلقها در چهار چوب ایرانی مستقل و دمکراتیک**

بقیه از صفحه ۸ کمک رسانی ...

میرسانند اما مدن بمحل چادرین توطئه را خنثی میکنند. روز دوم و سوم ورود اکبب، سپاه پاسداران وجهای زندگی باها و زکرات بده می آیند و با کمک شیخ به طرح توطئه علیه اکبب مبادرت میکنند. در تمام این مدت مردم روستا از کمکهای درمانی اکببها استقبال کرده و هر روز به گروه دانشجویی نزدیکتر میشوند و اکبب در ارتباط با آنها با فشاری وضعیت شیخ که زندگی براساس استقامت روستائیان است می بردازند (توضیح اینکه در منطقه خوزستان در زمینه کتاوری آبرسانی عمده ترین مشکل زحمتکشان است و این وسیله در طوفان و نقاط دیگر در دست شیوخ می باشد).

روز پنجم ورود اکبب حدود ساعت ۴/۵ که اکبب برشکی پس از کمک رسانی به روستاهای اطراف بمحل چادر خود در طوفان شب برگشته بود پنج تن از پاسداران که یکی از آنها مسلح بود با عوامل شیخ که قبلاً با هم قرار گذاشته بودند یکی از فرزندان شیخ که در شهر زندگی میکند بمحل اکبب آمده و با طرح مسائل منجره - ای از اکبب میخواهند که ده را ترک کنند. آنها در ناشدند و بنگه مردم اکبب را میخواهند به همسان عوامل ملی که همراه خود آورده بودند اشاره کرده و آنها نیز میگویند که اکبب را نمیخواهیم. مردم که کم کم از مسئله با خبر شده بودند اطراف چادر جمع شده چند نفر از آنها بعمل با داران و عوامل شیخ اعتراض میکنند. پاسداران پس از عنوان کردن اینکه شما محسوز قانونی ندارید و شما ممکن است مردم را بکشید و گرفتار جواب دندان شکن از طرف اکبب حرف آخر خود را میزنند و میگویند که ما برای پاکسازی منطقه آمده ایم و شما را به صورت بیرون میکشیم. آنها تهدید می کنند که اگر شما نترسید ممکن است دچار حادثه شوید و با تحریک عوامل شیخ اکبب در میان اندوه روستائیان منطقه را ترک می کند!

(این گزارش توسط اکببی که از طرف کمیته آماد داد دانشجویان هوادار و میا رزبه روستای طوقا شیه اعزام شده تهیه گردیده است) ■

### از معلمین متحصن در سراوان پشتیبانی کنیم

تشکیل شورانبر شرح ذیل اعلام گشته است:  
۱ - کمیته تحصن و رهبری که از افراد کاملاً مورد اعتماد و مبارز تشکیل می یابد بصورت شورای موقت آموزشی زمین را برای تشکیل شوراهای آموزشی بختیاری تا به شهرستان آماده می نماید و این شورای موقت هم باید بر انتخابات و انتقال اداره آموزش و پرورش به شورای واقعی نظارت و کنترل داشته باشد و پس از تشکیل شورای آموزش و پرورش ایسین کمیته بخودی خود منحل خواهد شد.

۲ - تعداد اعفاء شوراهای غیرتشکیل میشود که ۳ نفر آنها نمایندگان شورای معلمین بخش و ۳ نفر آنها را معلمین دبیرستانها و مدارس راهنمایی دبستانهای شهری بخش حومه و ۲ نفر آنها را نمایندگان شورای دانش آموزان و یک نفر آنها را نمایندگان شورای کارمندان ادارای تشکیل می دهند.  
۳ - سوابق افراد انتخاب شده از جانب شوراهای مدارس و معلمین، محدوداً از طرف شورای موقت مورد تحقیق و ارزیابی قرار می گیرد، در صورتیکه هیچ نوع سوابق نداشته باشد به شورای واقعی آموزش و پرورش راه می یابد.

۴ - این افراد بمدت یکسال انتخاب میشوند اما چنانچه مورد قبول تصف علاوه یک اعفاء شورای معلمین بختیاری و شورای معلمین شهر حومه واقع نشوند خارج و یکی دیگر از افراد مورد اعتماد بجاش معرفی می شود.

از کلیه نیروهای مترقی منطقه می خواهیم با پشتیبانی خود از معلمین متحصن، از خواستههای مترقی آنان که خواست همه ما است دفاع نمایند.  
(نقل به اختصار از نشر دیلوج شماره ۱۳)

در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۵ عده ای از معلمین بخش "جالی" سراوان در اداره آموزش و پرورش این شهر متحصن شده و خواهشهای خود را شرح زیر اعلام داشتند:

- ۱ - آموزش و پرورش از طرف شورای (دبیران، آموزگاران، کارمندان ادارای) اداره گردد.
  - ۲ - تقصیرات آموزش و پرورش از کارهای شناخته شده و کارمندان کم کار و ناهماهنگ بر زمین باقی بمانند.
  - ۳ - لغو ابلاغ نماینده آموزش و پرورش.
- در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۶ شورای دانش آموزان - دبیرستان اقتصاد متحصنین پشتیبانی کرده و در اطلاعیه ای برکناری نماینده بخش جالی بخش جالی را نیز محکوم میکنند. در تاریخ ۵۸/۱۱/۱۷ در ساعت ۹ صبح شورای دبیرستانهای شهرستان سراوان به اتفاق عده ای از دبیران در دبیرستان بلوچ تشکیل جلسه دادند و پس از بحث و تبادل نظر پشتیبانی خود را از معلمین جالی اعلام می دارند.

از معلمین متحصن در سطح وسیعی حمایت بعمل آمده که از آن جمله اند:  
دستان ناگان - گروهی از دانش آموزان - دانش آموزان دبیرستان اقتصاد - واحد آموزشی بهداشت سراوان - معلمین دستان پسرانه سرجو - شورای دبیرستانهای شهرستان سراوان - دبستان امیر کبیر سرجو - معلمین آموزشگاه کهن ملا - سوران - دبستانهای موشی همیشه - دبستان پسرانه بختان - دبستان زنگیان - دبستان کومو - اتحادیه جوانان مبارز بختان.

متحصنین در آموزش و پرورش طرحی نیز برای ایجاد دبورا را تهیه میکنند. در این طرح ضمن آنکه اختیارات و وظایف شورانبر و نیز شرایط انتخاب شوندگان و انتخاب کنندگان مشخص گردیده، چگونگی

### در کانون مستقل معلمان چه میگذرد؟

توده ای ها که بعد از خواب سنگین چندین و چند ساله خود، بعد از نیمه تکه همدردی ایران و بیبرکت آن، از سوزا خپشان بیرون خریدند، بهر کجا که بایشان برسد خرابکاری می کنند، بهمه جا سرگ می - کشند، اکنون محافل و مجامع مختلف در خطر آلودگی این حزب قرار دارند. اگر هم مستقیماً نتوانند بعنوان "توده ای"، در اینگونه تشکل ها راه بیابند، بیرون همینکی خود یعنی جاسوسی روی می آورند و از طریق فرستادن جاسوس به خرابکاری در این مجامع می - پردازند.

"کانون مستقل معلمان" نیز از جمله ایسین تشکل های ستک آلودگی این میکربها در امان نمانده است. آنها که بعد از مدتها این دروآن در زدن نتوانستند کانون را به کجرا ببرند، بتدریج عده ای نا آگاه را هم بدنبال خود به "کانون صنفی معلمان" کشاندند.

توده ای ها مخالف حرکت های سیاسی کانون مستقل بوده و صرفاً خواهان فعالیت صنفی معلمان بوده هستند. آنها حتی از این که در اساسنامه "کانون مستقل" مبنای ارتجاع در کنا را مبنای رزبه امیر - بالیسم آورده شود، وحشت داشتند!



حق تعیین سرنوشت،  
حق مسلم خلق هاست

از سوی دیگر فدائیان با ایجاد "سازمان معلمان پیشگام" معلمان را بسوی فعالیت صرفاً سیاسی سوق دادند. ولی با اینکه توده ای ها از راست و فدائیان از "چپ" با کانون مستقل به معارضه برخاسته بودند و ظاهراً از دوسو در مقابل کانون قرار گرفته بودند، لیکن بینگام انتخابات کانون، با یکدیگر دست به اشتغال زدند!!

عدم شاخت و مرز بندی قاطع فدائیان با سازمان رویزونیستها برای عقد چنین اتحادی نامقدسی، کفایت میکرد. جریان این اشتغال بدین ترتیب بود که در انتخاب هیئت اجرا شیه کانون (مشکل از ۱۳ نفر) یک نظر بر این بود که هر یک نفر تنها به ۵ نماینده رای دهد، تا حضور دیدگا ههای گوناگون در هیئت اجرا شیه امکان پذیر باشد. لیکن معلمان پیشگام به تبعیت از انحار طلبی خاص سازمان مادر، همسراه با توده ای ها (تبعیب نکنید!) بر این بودند که هر نفر به ۱۳ نماینده رای دهد که با توجه به اکثریت آنها (پیشگام ۴ توده ای) این نظریه پذیرفته شد.

هما نظور ملاحظه می شود، انحار طلبی چیزی نیست که مختص جریانهای ارتجاعی باشد. لیکن آنچه که در اینجا باید متذکر شد، هذاری است به فدائیان که به بین مارکسیسم و رویزونیسم در توانمند و بی جهت نیست که رویزونیستهای توده ای، سرور گرایشهای خود را زمان چریکیهای فدائی خلق را نهیت گفته و دم می جنبانند. که این خود میتواند اعلام خطری برای فدائیان باشد. ■

## کمک‌رسانی نیروهای انقلابی و توطئه‌های عوامل ارتجاع

را حیا روکزاران تا کونا دربارا ره کمک‌رسانی نیروهای انقلابی هسلزندگان خوزستان و توطئه‌های عوامل ارتجاع علیه آنها)

## "روستای قبضانه کوچک" - ۵۸/۱۱/۲۷

اس روستا در مسجاده خلف آبا دودره ۵۰ کیلو- متری اهورا برادر اردودر حدود ۲۰۰ خانوار در آن ساکن بود. چراغ‌سواد بطور متوسط دارای ۱۰ فرزند اش. در جریان سل در حدود ۵۰ خانه ویران شده و نزدیک به ۱۵ نفر زخمی و ۶۰۰ تا ۷۰۰ کوفتند تلف شده اند. زمین‌های رزاعی کماکان در زیر آب قرار گرفته اند. در برخی نقاط بعلت ترکیدن لوله نفت، سولفید جریان سل اصلا قابل استفاده نیستند. بطور عمده کنگنه سسار از طرف گروه‌های دانشجویی در روستا ساکن داده شده و فقط ۵۰ عدد جدار از طرف سرور جو رسیده‌اند داده اند. یکی از اهالی میگفت: از طرف دولت کمک موسری ه ما نشده و وقتی که ما از آنها سناغای کمک مودیمه ما گفتند تا زمانی که دانشجویان در روستای ما هستند شما کمک نمی- کیم. البته خود روستا نیا ن میداستند که این فقط بد بیاد است. سازمان و اسل و آذوقه خودداری کنند.

## گفتگو بین روستائیان و یکی از افراد

## "کمینه در" "چوم فرج"

در تاریخ ۵۸/۱۱/۲۸ عده‌ای کمینه‌چی و افراد جدا سار سدی و اردو روستا میشوند. تحریک آنها و پاسخ یک روستائی را به آنها کوش کنند:

کمینه‌چی - این دانشجویان (مبارز و هسواداران سگار) کمونیست هستند. آنها را از ده بیرون کنید، دولت به شما کمک میکند، دیگر احتیاجی به این دانشجویان نیست.

- سا جکاره هسید؟

- ما ما مورد دولت هسیم.

- بگو که ما مورد دولت هستی تا حالا برای ما جکاره کرده- ای! دولت که نوما مورش باشی برای ما جکاره کرده است؟

- ما جزئی‌ها را که شما میخواهد مینویسیم و بعداً بر استان می آوریم.

- تا بحال صد بار آمده بدو نوشته اید و برفته اید. اما تا کنون هیچ کمکی به ما نکرده اید. شما فقط بلدید حرف بزنید. حالا که این دانشجویان هم به ما کمک میکنند به آنها میگوئید سا و اکی و کمونیست؟ آنها تا بحال خیلی خوب با کمک کرده اند و ما از آنها راضی هستیم.

(بمنقل از خبر سیل شماره ۲، نشریه‌ای که به همت دانشجویان مبارز و دانشجویان و دانش آموزان هوادار سازمان بیکار - اهورا منتشر شده است.)

## خلف آباد

پس از اینکه بیش از یک هفته اجاری شدن سیل در خوزستان می گذشت و تا حدودی احتیاجات اولیه و بسیار ابتدائی روستائیان توسط مردم و نیروهای انقلابی و گروه‌های دانشجویی و کاکگری بر طرف شده بود در برخی مناطق روستائیان بنما بندگی از طرف بکارگزار دولتی برای می افتند تا با سلاح بد مردم برسند.

روز ۵۸/۱۲/۱ یک گروه چهار نفره از روستائیان همراه با نماینده قلابی مردم خلف آبا دینام طیبی که رئیس یک دبیرستان در خلف آبا د است همراه تعدادی دیگر از افراد دولتی به خلف آبا د می- آیند مردم که در چند روز گذشته زدستگاهای دولتی فقط تبلیغات و سرودها نصبشان شده بود با دیدن آنها به دورشان حلقه زده و شروع به اعتراض میکنند مردم فریاد میزنند آقای طیبی تمام کمکهای که مردم برای ما میفرستند تحویل گرفته و بین فک و فامیلش تقسیم میکند اگر این گروه‌ها و دانشجویان و دبیلیمه‌های بیکار یکمک ما نیا مده بودند تا حالا از زمین رفته بودیم. شخصی دیگری فریاد میزند فقط موقع رأی گیری سروکله این آقایان دولتی و آخوندها پیدا میشه تا بعدا حلاله بعد از اینکه خونیه خرابی پلیستی بریم و رای بدهیم؟

مردمی که چشم خود کمکهای بیدریغ دانشجویان و گروه‌های انقلابی را در روزهای سخت دیده بودند، مردمی که در روزهای سخت از دولت فقط تبلیغ و حرف شنیده بودند اکنون بحق فریاد اعتراض را بلند میکردند، جمعیت همچنان با فریاد دبه دور هیئت با زرسی روستائیان حلقه زده و هر کسی داشت تا آن را به جاد خود برده و وضعیتش را به آنها نشان بدهد. آخوندها که تصور نمیکردند با این وضع روستا شونده برای فرار از خشم مردم به این بهانه که جلوه داریم قصد فرار کردن را داشتند ولی مگر مردم آنها را راحت میگذاشتند. در این بین نماینده قلابی محل (طیبی) جا بیلوسا نه میگوشت تا اقدامات ناچیزی را که انجام داده بدریخ مردم بکنند و دانشا از گروه‌های انقلابی و دانشجویان که بکمک مردم آمده بودند بدگوشی کند. ولی مردم با گفتن این حرفها که "اگر اینها نبودند ما تا حالا مرده بودیم" تودهنی محکمی به این جا بیلوسا کاز میزنند.

آخوندها پس از آنکه می بینند نمی توانند از محل فرار کنند سعی میکنند با سخنرانی مردم را فریب

خوزستان در آب است  
"شورای انقلاب"

## در خواب است - شوشتر

روستائیان سیلزده، "عقبلی" (م) و با زاریان شوشتر بعنوان اعتراض به عدم رسیدگی رژیم به وضع سیلزندگان روز سه شنبه ۵۸/۱۱/۲۳ دست به تظاهرات و راهپیمائی زدند. همچنین روز چهارشنبه ۵۸/۱۱/۲۴ هنگا میکه معین فروموسوی اردبیلی وارد شوشتر میشوند با اعتراض شدید مردم و روستائیان سیلزده روستومی گردند.

آنها شعار می دادند: "خوزستان در آب است، شورای انقلاب در خواب است"، "مرگ بر شورا" انقلاب". معین فروموسوی اردبیلی که وضع را چنین می بینند، تحت حمایت "پاداران" محافظان از ممرکه فرار کرده و به فرمانداری شهر برده میشوند. ■

(م) - "عقبلی" منطقه‌ای است در شوشتر که دارای ۲۴ آبا د است.

دهند آنها مثل همیشه روی منبر رفته و بر علیه نیرو - های انقلابی، لجن پراکنی میکنند و میگویند اینها اخلالگر و کمونیست هستند، تفرقه اندازند، جمعیت همگی فریاد میزنند: اینها نورچشان ما هستند، کمونیست با شنیدای مملسان همه ایرانی هستند و ما مهربان و صمیمی هستند و تا حالا ما خیلی کمک کرده اند.

در ساعت ۷ شب همه ترو ز عده‌ای از اهالی شهر خلف آبا د به تمام اکیبهای مستقر در آنجا که توسط نیروهای انقلابی و مترقی اداره میشد رفته و می- گویند که احتمال دارد شب این افراد قصد تحریک عده‌ای را برای حمله به شما داشته باشند، شما مطمئن باشید که ما پشتیبان شما هستیم در ساعت ۹ همان شب یکی از دبیلیمه‌های بیکار به جاد درهای دیگر نیروهای انقلابی رفته و میگوید که چند عکس کسی به جاد در ما چسبیده اند و قصد تهمت و افترا دارند و تصمیم می- گیرند که همگی به نگهبانی و حراست از جاد درها بپردازند.

## خلف آباد

۵۸/۱۱/۲۹ - در این روز بیکنفر از سبها پاداران و دو آخونده که میته امداد پزشکی نیروهای انقلابی آمده و میگویند که تنها کسانی میتوانند تجویز پزشکی بکنند که برگ مجوز داشته باشند آنها قصد داشتند با این بهانه جلوی کار نیروهای انقلابی را بگیرند که با جمع شدن مردم جلوی جاد در این توطئه نیسر نقش بر آب شد.

مشکل سبها پاداران به جمعیت میگفت که بیکنفر از غذاهای اینها مسموم شده است. مردم در جواب میگفتند: اگر غذای آنها مسموم بوده ما هم از همان غذا خورده ایم. چرا مسموم نشده ایم؟ وقتی هم که مردم پرسیدند آنکسی که میگوئید مسموم شده چه کسی است معلوم شد که آن شخص اصلاً در آن شب غذا نخورده است! (بمنقل از خبر سیل شماره ۳)

## طوفانیه

روستای طوفانیه حدود ۵۰ کیلومتری جنوب اهورا و در کناره شرقی رود کارون واقع است. برای کمک به مردم زحمتکش این روستا اکیبهای عازم محل شده و جاد در میزند و اکیب مذکور تشخیص میدهد که در ارتباط با این ده و مناطق اطراف آن کمک پزشکی مهمترین کمک را تشکیل میدهد از اینرو با دادن دارو و اعزام تیم پزشکی و کمک پزشکی کار خود را دنبال میکنند. مردم نیز از این عمل استقبال میکنند.

آخونده که به تله آبا خود با استفاده از رود کارون آب برای مزارع تهیه میکنند از این راه عمده محصولات زحمتکش روستا را با لامیکش با آمدن اکیب دانشجویی دانشجویان مبارز و هوادار سازمان بیکار موقعیت خود را در خطر می بینند. شیخ که میترسد دانشجویان با آکا ه کردن روستائیان آنها را علیه وی بسیج کنند از روز و روز اکیب بکمک جاد در زندگی وسبها پاداران که عملاً در پی کمک به روستائیان که در جهت شناسائی اکیبهای دانشجویی در مناطق گشت میزنند دست به توطئه میزند، روز دوم و رود اکیب دانشجویی یک ما شین جاد برای شیخ جاد آورد و گاه می آورد و از طریق شیخ و عواملش شایع میکنند که داروهای اکیب دانشجویی سمی و علوفه‌ها نشان مسموم است اما مردم که می بینند جاد فقط برای شیخ جاد در... آورده و تنها دانشجویان به آنها باری بقیه در صفحه ۷





# اخبار و مسائل جهانی

## طبقه کارگر پرچمدار مبارزه طبقاتی دوسراسر جهان است

لاتین) هر روز و با بیست و هفت روز گذشته در این کشور نظارت عظیمی با شرکت دهها هزار تن از مردم ستمدیده بر علیه رژیم ارتجاعی حاکم صورت گرفت. این نظارت که به درگیری با پلیس ضد مردمی انجامید، چندان گشته و زخمی بجای گذاشت.

### شیلی

اعتصاب کارگران معادن شیلی زیر سرنیزه رژیم فاشیستی پینوشه، حکایت آن در دهه طبقه کارگر در سخت ترین شرایط ستمدست از مبارزه بر نمی دارد. اعتصاب کارگران معادن که با خرابی افزایش دستمزدها بر علیه ستم ارتجاع فاشیستی صورت گرفت، با پشتیبانی کارگران کارخانه مس نیز روپوشند.

### کلمبیا و مکزیک

در روزهای اخیر، دو کشور کلمبیا و مکزیک که هر دو در آمریکای لاتین واقعند، شاهد مبارزات گسترده کارگران و زحمتکشان بر علیه ستم اقتصادی و سیاسی حاکم بوده اند. این نظارت بدلیل مداخله نیروهای سرکوبگر به زور و خودکولوله باران نظارت کنندگان انجامیده است.

### اسپانیا

مبارزات زحمتکشان اسپانیا بر علیه نظام سرکوبگر و ضد خلقی سلطنت، هر روز و با بیست و هفت روز گذشته، هر چه پرتوان تر با دمبارزات حق طلبانه کارگران اسپانیا در یک نظارت ۳۰۰ هزار نفری فرسایش اعتراضی خود را بگوش جهان رسانند، در همه رابطه، نظارت دانشجویان به پشتیبانی از مبارزات کارگران و خواسته های عادلانه آنها توسط مزدوران حکومتی بخون کشیده شد. در درگیری بین دانشجویان نظارت هرکننده و پلیس، دوتن از دانشجویان به شهادت رسیدند. به همین مناسبت اعتراضات تشدید شد. اسپانیا صورت گرفت که اعتصابات کارگری و نظارت دانشجویی در شهرهای مادرید، والنسیا، ساراگوسا و غیره از آن جمله است. ■

در هفته های اخیر، هجوم عظیمی از مبارزات طبقه کارگر در سطح جهان بوده است. کارگران کلیه کشورها همچنان برای از قید ستم و استعمار، بر علیه ستم محدرم با پیدای مبارزه می کنند. و طبیعی است که این مبارزه مقدس و عادلانه تا بودی کامل نظام سرمایه داری و استعمار روسا لیسما ادامه خواهد داشت. این مبارزه هم اکنون به اشکال مختلف در چهار گوشه جهان دیده میشود، از مبارزه با خطر بدست آوردن حقوق صنفی گرفته تا سرنگونی دولت های سرمایه داری یعنی مبارزه قهرآمیز جهت بدست گرفتن قدرت سیاسی.

### ایتالیا

در ۱۱ بهمن ماه، کارگران چابخا نه های شهر میلان (ایتالیا) برای بهبود شرایط کار و افزایش دستمزدها دست از کار کشیدند.

### استرالیا

بیش از دو هزار کارگر کارخانه بیکو (استرالیا) نیز برای برخورداری از شرایط مناسب زندگی دست به اعتصاب زدند.

### کانادا

در کانادا اعتصاب ۱۵۰۰۰ کارگر ما هیکر امور بازرگانی، ۱۲ بندر این کشور را فلج نمود. اعتصاب قهرمانانه ما هیکران کانادایی بیش از یکماه بطول انجامید.

### آمریکا

طبق گزارش وزارت کار آمریکا طی یکسال گذشته ۵ هزار اعتصاب در این کشور انجام گرفته است که نسبت به اعتصابات سال قبل از آن ۶۰۰ مورد بیشتر بوده است.

### سان سالوادور

مبارزات طبقاتی در سان سالوادور (درو آمریکا)

ترتیب کارگران مبارز مینودرسا به همبستگی و شکل خودتوانستند دولت حامی سرمایه داران را به عقب نشینی وادارند. در خلال مبارزه کارگران این کارخانه، کارگران فارما شیمی، عبیدی، علاءالدین مترو، ساکا، تکنیکار، کارگاهنا بینا یانیک و سه واقع در دروازه قبا با آنها اعلام همبستگی کردند.

## مبارزه قهرمانانه کارگران مینو

کارگران مبارز کارخانه مینو که از سی عملی و سازگاری شورای کارخانه و نیز هیئت مدیره منتخب کارکنان به تنگ آمده بودند، ابتدا شورا را منحل اعلام کرده و سپس هیئت مدیره کارخانه را وادار به استعفا کردند. از طرف دیگر از آنجا که این کارگران از طریق مذاکره با مسئولین نتوانسته بودند خواسته های خود دست یابند، تعدادی از کارگران قسمتهای مختلف کارخانه تصمیم می گیرند، کار فرمای کارخانه حاج علی خسروا هی (م) را به گروگان بگیرند. کارگران مبارز روز دوشنبه ۵۸/۱۱/۲۹ خسروا - شاهی را در دفترش به گروگان گرفته و خواهشهای چهارگانه خود را اعلام می کنند. دولتی کردن کارخانه، پرداخت سود ویژه و عیدی و معادل کارکنان دولتی و نیز پرداخت سود ویژه مانده از پارسال از خواهشهای مهم کارگران این کارخانه است. در خلال گروگان گیری، کارگران کارخانه مینو با همبستگی و اتحاد و حفظ نظم... به مبارزه خود ادامه می دادند. در این مدت چگونگی برخورد مقامات دولتی با کارگران به مقدار زیادی در شناخت ماهیت دولت به آنان کمک نمود. چگونگی برخورد مقامات دولتی با کارگران به آنها ثابت کرد که دولت سرمایه داری هرگز به حمایت از کارگران نمی پردازد. برخورد کمیته دپویه سرپرستی بوکا ش چنان خاطره تلخی در ذهن کارگران بجای گذاشت که هیچگاه از یاد نخواهند برد.

در طی این مدت هرب نما بندگانی از طرف کمیته مرکزی، وزارت کار، وزارت منابع و معادن، کمیته آیت الله خسروا هی، کمیته دپویه سرپرستی بوکا ش و... برای به اصطلاح مذاکره به کارخانه می آمدند. ولی تعدادی آنها ابداع تفرقه و خراب کردن روحیه کارگران بود. اینان ضمن تهدید می گفتند: اما ما گفته گروگان نگیرید. ولی کارگران همچنان خستگی ناپذیر به مبارزه خود ادامه میدهند. و به این ترتیب با عمل خود، گوشه ای از مبارزه پر توان کارگران را در مقابل سرخستانها دولت برای گرفتن خواهشهای خود و نیز در تشکیل صف متحد به نمایش می گذارند.

در غروب ششمین روز گروگان گیری، کارخانه از طرف پاسداران کمیته مرکزی به محاصره درمی آید. آنان به موجب حکمنا شیده شده از طرف جناب رئیس جمهور و رئیس کمیته مرکزی آمده بودند تا ظن صرف ساعت خسروا هی را آزاد کنند، ولی هنگامیکه با عزم راسخ و اراده پولادین کارگران روپوشده و می بینند که آنها حتی با دست خالی مضمم به مقاومت هستند، برمی گردند.

روز هفتم دادستانی انقلاب بصورت زیر موافقت کارگران را جلب می کند: دادستانی انقلاب قبول می کند که برای پرداخت سود ویژه و عیدی با نظارت کارگران بحساب کارخانه رسیدگی نماید. به همین منظور چک سفیدی در اختیار نما سندگان کارگران گذاشته میشود که مبلغ آن پس یجکی به دفاتر کارخانه شخص خواهد شد. و بدین

# کار برای کارگران، زمین برای دهقانان

(بمناسبت سالگرد انقلاب فوریه ۱۹۱۷)

## انقلاب فوریه روسیه و درسهای آن برای کارگران و زحمتکشان

ولی به سبب ضعفهای سیاسی و تشکیلاتی نتوانستند قدرت سیاسی را کسب کنند، درحالیکه سرمایه داران لیبرال که در آن خودتراشیده و مغامراتی نیز برخوردار شده بودند، با حمایت خرده بورژوازی به قدرت رسیدند.

### کارگران در مقابل دولت جدید چه باید میکردند؟

سرمایه داران حاضر بلافاصله به اصطلاح یک حکومت "اثنالافی و ملی" یا یک مجلس تشکیل دادند. دولت جدید می گفت به مردم آزادی میدهد و آنان را خوشحالی می سازم. ولی این دولت برای فریب مردم دروغ می گفت و واقعا یک حکومت انقلابی نبود.

میکردند. لنین می گفت: "هرکس بگوید کارگران، بمنظور مبارزه با ارتجاع تزاریسم، باید از دولت جدید پشتیبانی کنند به کارگران و راه پرتلانی و امر ملح و آزادی خیانت ورزیده است." (نامه های از دور).

منظور لنین این بود که دولت جدید فریبکار است و نمی خواهد برای کارگران و سایر زحمتکشان کار کند، بنابراین مبارزه را باید ادامه داد. آگاه و مطلع شد تا اینکه بتوان ریشه استعمارگران را کنده و قدرت نوین را مستقر کرد.

و با لنین کبیر می گفت: "کارگران نباید چشم و گوش مردم را در مقابل فریب سرمایه ستاران بورژوازی باز کنند، به مردم باید آموزش داد که حرف باور نکنند و فقط به نیروی خود، به تشکیلات خود، به اتحاد خود و به تملیح خود متکی باشند."

و او در ادامه حرف خود خطاب به کارگران مطرح می کرد:

"کارگران! شما در جنگ داخلی برضد تزاریسم معجزاتی از قهرمانی پرتلانی را نتواندید از



خودمان دادند. باید در کارها مشکل ساختن برود و با تمام مردم نیز از خود معجزه شان دهد تا موجبات پیروزی خود را در زمین مرحله انقلاب فراهم سازد." (همانجا) و بدین ترتیب بود که طبقه کارگر همراه با دهقانان زحمتکش، با اتکا به آموزش لنین و تحت رهبری حزب بلشویک به مبارزه خود ادامه دادند و در اکتبر ۱۹۱۷ طی یک قیام مسلحانه به ساط رژیم استعمارگر سرمایه داری را واژگون نموده و حکومت انقلابی خود را مستقر ساختند. ■

براد دولت جدید در این بود با زهم جنگ امر - بالیستی را ادامه دهد. این دولت با زهم می - خواست کارگران را استعمار کند و مردم را در فقر و ترسکی و اسارت نگاه دارد. این دولت فرما میسر دار سرمایه داران فرانسوی و انگلیسی بود. این دولت ارتش عدل خلقی سابق و دستگا ههای گوناگون رژیم تزاری را نگاه داشت و حتی فرماندهان و روسای کشف قتل را به خدمت خود گرفت. بنابراین این دولت یک دولت ضد انقلابی و ضد خلقی بود و نتیجتاً کارگران و زحمتکشان نمی با ست از این حکومت جدید دفاع

رژیم منصور تزاری روسیه را لیا ن متفادی بسا اتکا به زور و سرسریه، توده های ستمدیده روسی را غارت و جبا ول میکرد و طبقا مردم که کینه بسیار زیادی نسبت به این رژیم داشتند، علیه او مبارزه می کردند. مردم روسیه یکبار در سال ۱۹۰۵ دست به اختلا بزرگی زدند ولی این انقلاب نتوانست بر ارتجاع بر سر بود.

سودهای محروم روسیه مضم بودند بساط سلطت تزاری را برچینند و این خاطر به مبارزات خود ادامه دادند و در فوریه - مارس ۱۹۱۷ دوباره دست به اختلا ب زدند و در ظرف ۸ روز بساط تنکین سلطنت روما سفها را کسب نموده و مدافع ملاکس فتودال، سروهای مربع و فرماندهان ارتشی بود و از کون کردند.

سرای درس آموزی از این اختلا ب، توضیح سمیری مدهم: در حنک جهانی اول (۱۹۱۸-۱۹۱۴) روسه تزاری در کنایر کشورهای امیرالیستی فرانسه و انگلیس غلبه کشور امیرالیستی آلمان وارد حنک کردند تا در عارت مردم جهان سهم بیشتری داشته باشند. این حنک، حنک امیرالیستی بود، یعنی سرمایه داران یک کشور برای کسب سود و منافع بیشتر نسبت سرمایه داران کشورهای دیگر را شروع کرده بودند. بنابراین زحمتکشان کشورهای دسسه اول می با ست دفاع می کردند و نه از دسته دوم. سرمایه داران و محافظان از طرفین حزبینا نی از بس سرمایه داران معنای دیگری نداشت. به این خاطر لنین آموز کار بزرگ زحمتکشان مطرح میکرد شنبه کارگران بد حنک امیرالیستی را محکوم کرده و آنرا به حنک داخلی یعنی به حنک علیه سرمایه داران خودی تبدیل نمایند. او می گفت از بورژوازی که حنک - انتروا ست با بد حمایت کرد، بلکه علیه او با ست اختلا ب کرد.

این اختلا ب در فوریه - مارس ۱۹۱۷ آغاز شد. در حنک می توان گفت که مخالفین دارودسته بر زد و دسسه بودند. از یک طرف بورژوازی روسه بود که خرده بورژوازی را هم بدستال خود داشت. سرمایه داران فرانسوی و انگلیسی که روابط نزدیکی با بورژوازی (سرمایه داران) روسی داشتند، بطور بنیان و نگاه اتکا را با آن را تسویق می کردند تا با مخالفت نمایند. سرمایه داران خارجی می - جو سید در روسه نفوذ بیشتری داشته باشند و بنا - بر این سرمایه داران روسی را برضد روسه تزاری حنک می دادند. بورژوازی روسه نیز می خواست فقط سزار (پادشاه) را کنایر برضد و بجای تزار خود بر کار بسا ب. و روابط اقتصادی - سیاسی فشرده ای بسا تریسه و انگلیس برقرار نماید.

"زحمتکش سورا های نمایندگان کارگران بودند. این سورا ها مدافع واقعی منافع طبقه کارگر و سایر توده های تحت ستم و تهیدست شما می آمدند. توده های محرومان، زمین، صلح و آزادی واقعی می خواستند. آنان درسی آن بودند تا به سنها خود تزار مستبد را بزد کنند، بلکه همچنین رژیم تزاری را از بسناد و از کون نمایند. توده های محروم نمی خواستند سرمایه داران خارجی ساری بکنند، آنان می خواستند یک کشور کاملاً مستقل داشته باشند.

بهر حال طبقات مختلف با منافع و اهداف مختلف و متفادی در جنبش شرکت کردند و با لخره طبقه کارگر و سایر توده های ستم کشیده قیام را آغاز کردند و از خود حاسبان زنها و از خود گذشته های بسیاری نشان دادند

**طبقه کارگر در مبارزه بر علیه سرمایه داری  
سلاحی بجز سازماندهی ندارد!**

بقیه از صفحه ۱  
بنی صدر ...

بیماری و نیز دلایل دیگر بطور محسوس زنجیره سیاست‌کناره گرفته است و از لحاظ عملی و معنی‌منس چندان در تعیین سیاست‌های هیئت حاکمه مدّ زده.

### یکپارچه کردن و متمرکز نمودن قدرت

با نگاهی گذرا به صحنه سیاسی کشور پس از انتخاب ریاست جمهوری، بخوبی می‌توان دریافت که در این دوره معادلات و تناسبات نیروهای سیاسی موجود در هیئت حاکمه بطور محسوس تغییر نموده است. این تغییرات در خطوط عمده خود همان تقویت مواضع بنی صدر و کلیه نیروهای که در این مرحله از مواضع گوناگون در پشت سر او صف‌آرایی کرده‌اند (جناح‌های مختلف بورژوازی از جمله آند) از یکسو و تضعیف قدرت جناح منسلط روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی که حداقل پس از برکناری دولت بازرگان مهمترین مواضع کلیدی قدرت را در دست یدقیقه کرده بودند، از طرف دیگر است. این تغییر معادلات را دلایل و عوامل گوناگونی باعث شده‌اند.

از یکسو، رسوایی‌های بی‌دری رهبران حزب جمهوری اسلامی، به میزان گسترده‌ای پایه‌های آنان را در میان مردم تضعیف نموده و بخش وسیعی از توده‌های منوهم‌هوا را از آنها را به جانب چهره تازه نفس و نا شناخته هیئت حاکمه یعنی بنی صدر، رانده است. (جدول آرا) و این انتخابات مجلس نیز این را بخوبی نشان داد. و این خود مهمترین مانعی است که به این جناح اجازه نمی‌دهد، همچون گذشته در عرصه قدرت سیاسی دیوانه‌وار و سر مست از قدرت به تاخت و تاز بپردازد.

و از سوی دیگر بنظر می‌رسد، بسیاری از آنها، بنوعی بنمبندی متفا عددها ندکه حفظ موجودیت کل هیئت حاکمه و منجمده قدرت سیاسی خودشان در گرو فاش آمدن بخرافات درونی خودشان و کوشش در جهت "یکپارچه کردن" قدرت در مجموعه قدرت سیاسی است. در مورد آیت‌الله خمینی این موضوع را بخوبی می‌توان تشخیص داد. تقوی بی فرماندهی کل قوا به بنی صدر و دعوت تمام نیروها به حمایت از رهبر مهور، تجلی چنین واقعیتی است. همچنین اینکه اکثریت اغای شورای انقلاب با تقوی بی ریاست شورای انقلاب از بهشتی به بنی صدر موافقت کرده‌اند، نشانه‌ای دیگر از این واقعیت است.

البته اینها هنوز گام‌های بسیار جزئی است. رهبران حزب جمهوری اسلامی، که هم‌اکنون نیز جناح نیرومندی در درون هیئت حاکمه را تشکیل می‌دهند، بسادگی از مواضع قدرت خود دست‌نخواهند کشید. بدون شک اقدامات بعدی بنی صدر برای ایجاد تعادل هرچه بیشتر منع خود در حاکمیت سیاسی کشور با دشواری‌های فراوان ناشی از مقاومت و مقابله جوشی جناح فوق روبرو خواهد شد. لیکن زمانیکه این درگیری‌ها و تشنج‌ها به مرحله‌ای می‌رسد که کل قدرت سیاسی حاکم را در برابر بله با تها در میان "بالا" و "پائین" مورد مخاطره قرار می‌دهد، منافع استراتژیک کل

رژیم بحاج می‌کنند که جناح‌های مختلف، به گذشت‌ها بی‌هرچند ناخوشایند، تن در دهند، و صفوف خود را فشرده تر سازند.

سیاست بنی صدر، از آغاز کار چنین بوده است و اکنون نیز همان را دنبال می‌کند. او می‌کوشد تا به درگیری میان جناح‌های مختلف قدرت خاتمه دهد و حاکمیت "یکپارچه" ای را بوجود آورد. مبارزه با "تعدد مراکز قدرت" از مهمترین برنامه‌های او است. که ز همان ابتدا بر روی آن تاکید ورزیده است. البته او یکپارچگی قدرت را بشرطی می‌خواهد که سوا مع خود و جناحش در کل قدرت سیاسی تثبیت شده

در طی این مدت او از یکسویه مخالفت با برخی سیاست‌ها و روش‌های کور و عقب مانده اعمال حاکمیت جناح منسلط روحانیت یعنی رهبران حزب جمهوری اسلامی برداخت و از سوی دیگر با استفاده از تریبون‌های متعددی که در اختیار داشت (روزنامه انقلاب اسلامی، مجاد، مجامع کارگری و...) به کا ر وسیع تبلیغی پیرامون سیاست‌ها و روش لیبرالی برنا مه‌های خیالپردازیانه "جامعه توحیدی" خود دست زد، و بدین ترتیب توانست، با تکیه بر این عوام فریبی‌ها جای پائی در میان مردم، باز نماید، مردمی که بتدریج از ناخوش و نا زهای روحانیت

رسوایی‌های بی‌دری رهبران حزب جمهوری اسلامی، به میزان گسترده‌ای پایه‌های آنان را در میان مردم تضعیف نموده و بخش وسیعی از توده‌های متوهم‌هوا دار آنها را به جانب چهره تازه نفس و نا شناخته هیئت حاکمه یعنی بنی صدر رانده است. بنی صدر رسالت جوش دادن کلیه اقشار بورژوازی و لایه‌های مرفه‌خرده بورژوازی را بعهده گرفته است و این رسالت بخشی از برنامه "وحدت ملی" و بشما برمی‌گردد.

با شد و بسیاری دیگر جناح‌ها را حول یک محور و هسته مرکزی نیرومند، که آن نیز کسی جز خودش نیست، سازمان داده باند.

بنی صدر می‌داند که "تعدد مراکز قدرت" و تشکاف‌های دورن هیئت حاکمه، یکی از عوامل عمده تشبیت نشدن رژیم و لرزان بودن پایه‌های آن است. او بخوبی می‌داند که این تشکاف‌ها و پراکنندگی در صفوف قدرت سیاسی بر زبان کل آنها و بسود جنبش‌ها و جرییده انقلابی است که می‌توانند از چنین تضادهای بهره گیرند. او می‌داند که وجود چنین پراکنندگی و تشنجی در "بالا"، توان و نیروی کل هیئت حاکمه را کاهش می‌دهد و در برابر تاخت یک سیاست واحد و مشترک، در برابر جنبش انقلابی و نیروهای رادیکال و مترقی جامعه و موانع ایجاد می‌کند. به همین خاطر است که به جناح‌های رقیب هشدار می‌دهد اگر این وضع (تعدد و پراکنندگی مراکز قدرت) ادامه پیدا کند، "همه با هم خواهیم رفت"!

این روش تفکر "عاقبت" و "واقع بین" بورژوازی که کمر همت به "تجات کشور" و "ملت بسته است کیست؟ رسالت او در جامعه بحران زده کنونی ایران کدام است و چه راه‌حل‌هایی در آستانه دارد؟

بنی صدر با شعارها رگانه: "وحدت ملی - باز سازی اقتصادی، امنیت، معنویت" پایه میدان مبارزه اش با تشکاف‌ها گذاشت و سرا نجام جام پیروزی را در این انتخابات برکشید. این شعارها در ظاهر امر بسیار زیبا هستند. اما معانی واقعی نهفته در پس این شعارها را زمانی می‌توان بهتر دریافت و از درون آن به "رسالتی" که "تاریخ" در قبال جامعه بحرانی ایران بر عهده بنی صدر گذاشته است، بخوبی بی‌برده که کردار و گفتار واقعی بنی صدر را در برابر رویدادهای و تجربیات مشخصی که در جامعه ما به وقوع می‌پیوندد، در کناری این شعارها مورد توجه قرار داد.

بنی صدر، در طی یکسال گذشته، کوشید خود را از دایره اصلی قدرت اجرائی کشور، دور نگه دارد.

### بنی صدر و روحانیون حاکم

سیاست کنونی بنی صدر در این جهت است یعنی او میخواهد که هر چه زودتر یک دولت یکپارچه بوجود آورد تا با تکیه بر

## مرگ بر امپریالیسم آمریکا، دشمن اصلی خلق‌های ایران

این یکبار رنجی. به "حل" تضاد میان "بالا" و "پائین" بپردازد. بنی صدر نمی خواهد البته هم نمی تواند روحانیت را از قدرت سیاسی کاملاً خلع کند. اما او معتقد است که روحانیت باید "ما فوق دولت" قرار گیرد و در حالت درامور جانش خودداری نماید. او از روحانیت متوقع است که نفوذ معنوی خود را در خدمت دولت قرار دهد تا رژیم جمهوری اسلامی ایران و توسعه خودیستند و در احوال و انحراف در میان نوده ها تثبیت شود.

رو مشکل بتواند، با آنها برای همیشه و در دراز مدت کنار آید. خودبینی مدرنیستین را بخوبی میدانند و دریا مته است که حریف بسیار سرکش و حرف نا شنواست. جایی که مسئله قدرت در میان است ملاحظات دوستانه بکناری می رود. از همین روست که بنی صدر برای برآش سیاست و حرفش و عقب راندن رقیبش، آرا و انتخاباتی اش را به رخ می کشد.

آرائی که مردم مآدره بهمین دادند، اتخاذ اراده قاطعی است که ایران فقط یک دولت می تواند داشته باشد و آن دولتی است که بر

بنی صدر در یکسال گذشته از تمام مکانات را دیوتلو بیونی و مطبوعات و مساجد و... برای تبلیغات بنفع خود استفاده کرده و در عین حالیکه اینجا و آنجا به عملکردهای عقب مانده و کهنه پرستانه حزب جمهوری اسلامی انتقاد میکرد خود را از قدرت اجرایی دور نگه داشت.

آقای بنی صدر نرخ بهره بانکی را پائین می آورد و بعد به بانکها میگوید به تولیدکننده ای که وام میدهد در آنجا سرمایه گذاری کنید و ما سهم شوید، یعنی ما به انتفاع بهره قبلی را با بهره فعلی از طریق استثماری مستقیم کارگران جبران کنید و بعد اسم این را می گذارد "اقتصاد توحیدی" !!

او بنظر خود را در این باره و در پاسخ این سوال خبرنگار روزنامه "لوموند" که پرسیده بود: "شما برای روحانیت چه مقامی در نهادها یا تازه پیش بینی کرده اید، آیا آنها در داخل دستگاه حکومتی خواهند بود یا در خارج آن" گفت:

"به در داخل و به خارج، بلکه در فوق دستگاه. ما نظام ولایت فقیه را برقرار کرده ایم تا ممانعت پس دولت و روحانیت را در قضا تنظیم کند. روحانیون از کمال ولایت فقیه است که می تواند باشد. از عقیده کنند با دست عمل بزنند".

از مباحثی که ما در روزنامه لوموند) بنی صدر، در بیست و سه سئوالی خود در حفظ نظام جمهوری اسلامی مطابق برنامه های خود، هم به روحانیت نیاز دارد و هم می خواهد آن را از دایره قدرت اجرایی و تصمیم گیری دور نگه دارد. نیاز او از جهت نفوذ معنوی روحانیت در میان نوده ها است و همین نفوذ هم به بنی صدر اجازه نمی دهد تا بطور آشکار به روحانیت بگوید "فوقی موقوف! اما او همین سخن را بطور محترمانه می گوید و به آنها توصیه می کند که "روحانیون از کمال ولایت فقیه است که می توانند برای نفع و عدالت فقیه دست بزنند". او به ولایت فقیه معتقد است، اما استنباط خاص خود را از آن دارد. استنباطی که مطابق آن این اصل نباید بیکگونه خدشهای در یکبار رنجی دولت بوجود آورد. او ولایت فقیه را تا حدیک قدرت معنوی که در روحانیت است، یعنی محدود و همگامی ها پیش نمیتوانند بیشتر به عوام مغربیه نوده ها بپردازد و انسان را نسبت به رژیم جمهوری اسلامی در تهمنگه دارد. پائین می آورد، او با ولایت فقیه ای که بخواد قدرت سیاسی را بکند، بکنند و آن را به حکومت ملوک الطوائف تقسیم کند، اگر چه بطور تلویحی و نه صریح و لسی سریعتر تا مخالفت می کند. اما می دانیم که استنباط بنی صدر استنباط روحانیون است که ولایت فقیه را وسیله ای در جهت اعمال خود کما می و قدرت بی چون و چرای حومی دانند، کما ملا تفاوت دارد و از این

طبق قانون اساسی عهده دار امور کشور میشود (اطلاعات ۸ بهمن)

بنی صدر یک چیز دیگر را هم در مقدمه تمسرداری آموخته است. او می دانند که با مغز روحانیون که سالها کارشان فقط تدریس در درجه های تنگ و تنگ و تریک حوزه "علمیه قم" میا... بوده است، نمی توانستند دستگاه دولت و امور مملکتی یک جا معسرما به داری را آنها را چنین وضع افغانکی سروما مان دهد. او می دانند که روحانیت در یکسال اخیر، با خصوصیات عقب گرا با نه و تار یک اندیش خود بساری از روشن فکران بورژوازی را که با بد جهت ترمیم ساختن جا معسرما تلاشی شده سرمایه داری وابسته ایران بخدمت گرفته می شدند، از خود رمانده است. او می خواهد سرمایه داری وابسته بحران زده ایران را ترمیم و تثبیت نماید. بنا بر این به چنین روشنفکران و متفکران وابسته به سرمایه داری ای نیاز دارد. از سوی دیگر هم توجیه که قبلا گفتیم وی به نفوذ و اعتبار و قدرت روحانیت هم نیازمند است. اینست که می گویند آنها را با هم آشتی داده و همه را بگرد خود می مشکل و جمع آوری نماید، تا با کوشش مشترک به "بازسازی اقتصادی" کشور بپردازد. بازسازی اقتصادی سرمایه داری و وابسته بحران زده ای که او کمربند حفظ و تثبیت آن بسته است. خودش در این باره میگوید: "من از سالها پیش بر این نظریه بوده ام و ایس نظر اکنون در ایران پیرو شده است که باید روحانیون آگاه به مسائل زور و روشنفکران متعهد و جدت پیدا کنند و با هم مشکلات شرکت کنند و من امیدوارم که این وحدت در دوره ریاست جمهوری من کامل شود".

(اطلاعات ۸ بهمن)

### بنی صدر و روشنفکران بورژوازی

البته همانطور که عمل نشان داده است، منظور بنی صدر از "روشنفکران متعهد" کسی جز روشنفکران

لیبرال و وابسته ای که بنوعشان در بازسازی یک جا معسرما به داری ( و در اینجا سرما به داری وابسته) شگفته میشود. نمیباشد. روشنفکران مورد نظر آقای بنی صدر، با رفقای خا رجه نشینش هستند که همچون خودش در مکتب کشورهای غربی درس و فاداری به اصول و معیارهای سرما به داری را آموخته اند (مثال دکتر سلامتیان، شویری، طباطبائی، قطب - زاده، حبیبی و...) و با کسانی که سالها در داخل "سنگر مبارزه با دیکتاتور" می سفید کرده اند، و یکی از اصول مورد قبولشان که شدیداً به آن وفادار بوده اند، حفظ نظام سرما به داری وابسته و حفظ سلطنت بوده است. منظور ما کسانی مانند جناب سنجابی و فروهر و... است، که اگر چه طشت رسواشی بسیاری از آنها از با مهر خانه ای فرو افتاده است، لیکن آقای بنی صدر نیز دست دوستی به سمت آنها دراز نموده است. بیپرده نیست که احزابی همچون جنبه ملی و حزب ملت پس از به قدرت رسیدن بنی صدر بلافاصله از او سیاست در جهت پایان بخشیدن به چندگانگی قدرت، حمایت نمودند و به تیریک گفتند. این سیاست ها در واقع بخشی از برنامه "وحدت ملی" بنی صدر بشمار می رود. وحدت ملی بنی صدر وحت تمام بورژوازی (سرما به داران) است! چه آن بخشی که در زیر چتر روحانیت سنگر گرفته (بهشتی ها ورفسنجانی ها و...) و چه آنها ای که در مقابل احزاب سنتی بورژوازی بطور پراکنده گرد آمده اند (مانند جنبه ملی، حزب ملت و...). بنی صدر، نقطه عطفی است در حیات رژیم جمهوری اسلامی ایران. نقطه ای که در آن کلیه اقشار بورژوازی ولایه های مرفه خرد بورژوازی برای اولین بار امکان می - باسند فارغ از تضادهای بیسار درونیشان، دست دوستی به یکدیگر بدهند. بنی صدر رسالت چنین جوش دادنی را بعهده گرفته است. بنی صدر ولایت کسل بورژوازی بخوبی میدانند که، تحکیم مبانی سرمایه داری وابسته در ایران و برآیند آختن دوباره دستگاه بهره کشی، نیازمند چنین "جوش خوردگی" و "وحدت" است. ترمیم سیستم اقتصادی - اجتماعی و دستگاه "اداری سرما به داری" وابسته فقط در سایه این "وحدت ملی" امکان پذیر است. اگر هبران روحانیت چنین نکته ای را درک نکنند، لیبرالها و بویژه جناب بنی صدر با آن زیرکی بورژواشی این واقعیت را بخوبی درک می کنند. اما اینها خواهی شیرینی است که بنی صدر در سر میپرواند تا خیالها شیرین آقای بنی صدر و واقعیت فاصله بسیار است. حداقل می توان گفت که چنین وحدتی اگر هم امکان پذیر گردد، مدت زیادی بطول نمی انجامد. این را ما نمی گوئیم. این را واقعیت بحران عمیق اقتصادی - اجتماعی ما معسرما تمام دستگاه بهره کشی اقتصادی را به فلات کشانده است، می گوید. بحران کنونی که ما "راه حل" های سرما به دارانه، به یقین اطلاع پذیر نیست. بسیار گمان این راه حل را آزموده اند. رفرمیها دوران رژیم شاه از با دمان گرفته است. همچنین تلاشهای آقای بازگان.

بنی صدر نیز گرچه با افرا تراز آنها گذاشته و در بی رفرمیها و اصلاحات بیشتری است، لیکن ماهیت رفرمیها و اصلاحات مورد نظر او را با این تفاوت چندانی نمیکند چرا که این رفرمیها و اصلاحات در واقعیت خود، راه حل های سرما به دارانه بورژوازی هستند که بمنظور بازسازی سیستم سرما به داری وابسته -

هرچند در ایشکال جدیدتر - بکار گرفته شده اند . برای درک این منظور لازم است برخی از جوانب سیاستها و برنامهای بسی مدروا که می توانند بطور بهتری مضمون و واقعیت شعارهای چهارگانه او را نشان دهند ، مورد اشاره قرار دهیم .

### راه حل سرمایه داری در پوش "اقتصاد توحیدی"

بنی صدر ، در طی یکسال گذشته ، با ترمشهور "اقتصاد توحیدی" اش بر سرزبانها افتاد ، او جامعه و اقتصاد "توحیدی" اش را بر سر هر گوی و برزنی تبلیغ می کرد ، به کارگران وعده میداد که "هرکس با بست کاری که می کند حق پیدای می کند . بیشتر از کار در اسلام هیچ چیز نیست ، هیچ موقعیتی برای کسی ایجاد حق نمی کند" (کتاب "کار و کارگر در اسلام" مجموعه سخنرانی های بنی صدر در اجتماع کارگران) و شعاری داد که : "اساس در اسلام کار است و هرکس کار کرد باید نتیجه سعی خودش را ببرد" . ( همانجا ) او از مضرات "ربا" در اسلام سخن می گفت و شعاری - داد که ربا خواری در با نیکها با پیدای زمین برود . او شعاری داد که بهره در با نیکها با پیدای زمین برود ، چرا که "اسلامی" نیستند ، اینها حرفهای شیرینی بودند که آقای بنی صدر بر زبان می راند . لیکن زمانیکه پای عمل بمیان آمد ، زمانیکه خودش بر مسند قدرت نشست و فرمان کشتی به گل نشسته نظام بیمار حاکم را بردست گرفت ، در عمل نشان داد که می خواهد همان راهی را برود که پیشینیان او رفته اند . منتهی با این ویژگی که شیوه های ما هرا نه تری در آستین دارد ، شیوه هایی که می توانند مدت زمانی توده های نا آگاه را بفریبند ، گفتار زیر بوخی می توانند ماهیت و اساس تمام شعارها و برنامهای به اصطلاح انقلابی او را برای "بازسازی اقتصاد" نشان دهد . وی در پاسخ خبرنگاری که از او در مورد زمان اجرای "برنامه سه انقلابی" اقتصادی اش سوال میکند ، جواب میدهد :

"در این ۱۱ ماه همین کارها شده است ، ( یعنی همین "برنامه انقلابی" پیداشده است ) - برانتر از ما ست ( از جمله تولید نیت پائین آمده و ۶۰ سال به عمر جاهها اضافه کرده ایم ) ! و دیگر اینکه با نیکها ملی (!) شده ، انبارهای عمومی ملی (!) شده ، زمینهای شهری ملی (!) شده ، مگر اینها کار نیست ؟ شما کافی است به عقبه انقلابها نگاه کنید ."

آیا این جملات به اندازه کافی گویای ماهیت برنامه های به اصطلاح انقلابی بنی صدر نیست ؟ این اقدامات "انقلابی" که بنی صدر از آنها چنین بسا افتخار بنا می برد و لابد رسالت خویش را در ادامه همین "برنامه" ها یافته است ، همان سیاستها و اقداماتی هستند که یکسال توسط دولت بازرگان اعمال شدند و اکنون کوی رسوائی اش در هر کسوی و برزنی نواخته شده است . سیاستهایی که حتی کسانی چون بهشتی نیز دیگر جرات نداشتند آنها را در او آنها را "سازگارانه" می خواند . وقتی بنی صدر از به اصطلاح ملی کردن با نیکها و ... چنین به نیکی و افتخار با دمی کند ، براهی می توان در یافت ملی کردن از نظر او جز دولتگی کردن موسسات اقتصادی و مثلا با نیکها چیز دیگری نیست . سرمایه داری وابسته و نهادهای اقتصادی آن کماکان با برجاست ، اما این با رپوش دولتی بخود گرفته است ، همین ویس . چنین ملی کردنی

براستی هم با بدچنان "حذف بهره و ربا" شی داشته باشد . در کشاکش مبارزه انتخاباتی ، بنی صدراعوام - فریبنا نه ، شعرا حذف ربا و بهره در با نیکها را سر داد . و توده های عظیمی را که از حیلها و ترفندهای روشن - فکرا ن بورژوازی بی خبر بودند ، بخود جلب نمود . اما برنا هم با نیکها او ، جز اصطلاحات و فرم نام چهرزی در نظام بانکی ایران چیز دیگری نبود ، اساس و پایه نظام غارتگرانه بانکی ، که شرابا پیش با خون سرمایه های امپریالیستی و وابسته تغذیه میشود ، همچنان با برجاست می ماند . بهره ، نام "کار مزد" و "سود تضمین شده" را بخود گرفت و اندکی تعدیل شد . همین ویس ، بنی صدر می خواهد که بهره را بجای حذف (مروا - رید) به مردم غالب کند . هرکس که تازه لغبسی اقتصاد را آموخته باشد با شویا حتی در تجربه زندگی اش با اقتصاد سرمایه داری برخورد کرده باشد ، می دانند که در نظام سرمایه داری بهره یکی از شرابا نهای حیاتی با نیکها است که بدون آن با تک علت وجودی خود را در این جامعه از دست می دهد . با نیکها از طریق همین بهره ها ( و نیز به طرق دیگر ) ، در استعمار نیروی کار کارگران و زحمتکشان جامعه و غارت و چپاول دسترنج آنان مشارکت می ورزند . حال چگونه بنی صدر می تواند با حفظ نظام سرمایه داری (وابسته) - چیززی که خود او و نیز کوشی برای لاپوئانی آن ، حداقل در شرایط فعلی ندارد - بهره بانکی را حذف نماید ! بنی صدر ، بهره ۶% و امهای مکرر را (که در رژیم گذشته معمول بود) به ۴% می رساند و ما آن را کار مزدی گذارد . ( # ) آتوقت در بوق و کرنا می دمد که بهره بانکی را حذف کرده است . در حالیکه در اکثر

( # ) - توضیح بیشتر ماهیت فریبکارانه این فرم بانکی بنی صدر ، از حوصله این بحث خارج است . برای این منظوری توانیده بیکارهای ۳۷ و ۳۸ را جمع کنید . همین قدر توضیح می دهیم که قرار است با نیکها در رابطه با امهای مکرر که به تولید کنندگان می دهند (چه کشا و وزی و چه صنعتی و خدمات) سرمایه - گذاری و سهم معینی در شرکت وام گیرنده داشته باشند . به عبارت ساده با نیکها بجای گرفتن بهره های کلان از سرمایه داران ، از سرمایه داران بهره کمتری می گیرند و بجای آن بطور مستقیم کارگران و زحمت - کشان را استعمار میکنند .

بقیه از صفحه ۲  
کشتار رهبران ...  
که شاه در مورد ۹ تن از زندگان زندانی مرتکب شد و دیدیم که به چه سرنوشتی دچار آمد . حزب جمهوری اسلامی نیز به شیوه های آنچه که از آغاز وقایع کشید در لجن نامه اش بجای رسانیده ، از طراحان اصلی این جنایت هولناک بوده است . این حزب رسوا ، بعد از قتل نمایندگان خلق ترکمن ، از طریق لجن نامه - اش کوشی می کند که با کوچک کردن شخصیت انقلابی زقای شهید ، کشتار خائنان این دلاوران شهید را مواجه جلوه دهد .  
و اما آقای رئیس جمهور که همواره سعی میکنند از خود چهراهی "دموکرات" و "انقلابی" ترسیم کنند ، نیز در این جنایت فجیع شریک جرم است . آقای بنی صدر وقتی که خلق ترکمن را تهدید کرد ، وقتی که ستاد خلق ترکمن را "لانه فساد" نامید ، وقتی که خلق ترکمن را تهدید کرد که خانه به بانه آنها را در هم خواهد کوفت ، وقتی که این همه را تا "زه" ده درصد از

کشورهای سرمایه داری اروپا نیز بهره وام ممکن در همین حدود یعنی حداکثر ۴% است و نه بیشتر . این رژیم شاه بود که بدلیل عمق سربردگی اش به امپیر - با لیس ، چنین نرخ بالائی را برای وامهای ممکن ، یعنی یکی از مبرم ترین نیازهای زندگی زحمتکشان در نظام بانکی خود برقرار کرده بود . کاری که بنی - صدر کرده است این است که میزان این نرخ را اندکی پائین آورده و تا ز به سطح بهره وامهای ممکن در کشورهای اروپائی رسانده است . کشورهایی که نه جامعه توحیدی اند و نه مدعی داشتن "اقتصاد توحیدی" هستند و کسی نیست که در سرمایه داری بودن سیستم اقتصادی این کشورها شی داشته باشد ! البته این فرم آقای بنی صدر در نظام بانکی "حسن" دیگری هم دارد ، و آن بهره برداری سیاسی سرمایه داری وابسته ایران از چنین فرمی در جهت بازسازی خویش است . بنی صدر که با نیکها همچون دیگر توده های وابسته رژیم گذشته و بنا بدردر همه آنها ، پیوسته در آماج حملات انقلابی توده های مردم قرار داشت . حملاتی که تنها در شکست شیشه ها و به آتش کشیدن مراکز بانکی کشور خلاصه نمی شد . بلکه درسی اعتمادی شدید مردم نسبت به این مراکز غارت و چپاول رژیم سرمایه داری وابسته ایران نیس - متیلومری گردد . این بی اعتمادی و تنفر از بانک - های غارتگر بنا بنا بود که در او خرورژیم منفور پیشین توده های حتی از پیرداخت افساط وامهای خود و بهره های بانکی نیز خودداری می کردند . و این خودضرات مهلکی بر بیکر فروت و بیماران با نیکها رژیم و لاجرم کل اقتصاد وابسته آن بود . (حسن) البته حسن برای بورژوازی ! ارفمها و اطلاعات بنی صدر این است که می تواند اعتماد مردم را به این نهاد - های غارتگر ، جلب کند تا بر اساس آن نظام بهره کشی با نیکها را مجدداً برآورداند . در واقع بنی صدر با چنین سیاستی می کوشد تا توده های را را غلب کند که "مراودات" طبیعی خود را با با نیکها مجدداً برقرار سازند ، افساط پیشین خود را بپیرا زند ، بهره های برده خت نشده را بازگردانند و چرخهای بهره کشی آنان را دوباره به راه اندازند . آیا سرمایه داری وابسته ایران چنین "خدمتی" را از جانب بنی صدر ، بدینده تحسین نگاه نخواهد کرد ؟ آیا با زهم تردیدی در اصالت بورژوازی اصطلاحات آقای بنی صدر منظور "بازسازی اقتصادی" کشور وجود دارد ؟ (ادامه دارد)

قاطعیت رژیم جمهوری اسلامی" دانست ، از همانجا دستش بخون خلق ترکمن ، بخون نمایندگان خلق ترکمن ، آلوده شد . در یک کلام برخلاف تصور عده ای که معتقدند گویا این جنایت هولناک فقط کار جناحی از با سدا - ران بوده و به کل هیئت حاکمه مربوط نمی شود ، در حقیقت شورای انقلاب و ربا بت جمهوری ، حزب جمهوری اسلامی و با سداران و ... همگی در این جنایت شرکت داشته اند . در واقع این هیئت حاکمه است که خون می ریزد ، این هیئت حاکمه است که کشتار می کند و شیوه "آریا مهری زندانیان خود را به گلوله می بندد . اکنون که ارتجاع از هیچ جنایت شرم آوری روی گردان نیست ، این وظیفه همه انقلابیون است که با تبلیغات وسیع خود مانع از آن شوند که این جنایت فجیع از خاطره ها زوده شود ، همه جهاسان باید بدانند که این مدعیان دروغین آزادی و استقلال چگونه بر خلقها ستم می کنند .

سببه از صفحه ۴

تجاری از ...

مبارزاتشان راه‌دایت ورهبری نماید. آنها از مخالفت و سازشی بیاری کارگران درس آموزی نمی‌کردند. اینست که می‌گوئیم تمور آموختن از نوده‌ها برای آنان عیب می‌نمود.

رفقای مذکور در ابتدای ورودشان به کارخانه ناسخای کارنوضی و تسلیفی در میان کارگران و منفعدکردن آنان به مبارزه نمودن، خود دست به مبارزه می‌زدند، چرا که می‌ترسیدند جانی عملی ندهد و کارگران به مبارزه کشیده نشوند! اینست نمودی دیکوارستش جدا رتوده، "فهرمانان فعال و عوام الناس غیر فعال"، و نیز آنکه فهرمانان توده ها را به مبارزه می‌کشاند!

\*\*\*

آری، اگر ما سازهای کارگران را از ریاضی نمانیم و هنگام ما آنان و جنبه‌ها بکفمد جلوتر حرکت نکنیم و نفس رهبری نکنیم، مبارزات آنها را بعهده بگیریم دچار مبارزات بی‌نتیجه می‌باشند و چیزی جز مدارات جدا رتوده، تحت لفاظی‌های روشنفکرانه نیست، ندهد و شکست نتیجه حتمی اعمال ما خواهد بود. آری غلبت مخالفت کارگران و سرعلت اینکه حدس غیررئیس‌جانی اخراج میکنند، بدون آنکه کارگران تا غل از آنها حمایت کنند، اعمال جدا از کارگران این رفتار بود.

از طرف دیگر همانگونه که مبارزات جریکی بدون تأسیس‌سازی در روند مبارزات نوده‌ها، جزا بعه و لطمه به جنبین نوده‌ای اثر دیگری نداشت و بیه از دست دادن انقلابیون برارزنی منجر می‌شد، در اینجا سیراخراج حدس غیراروشنفکران م. ل. و کارگران جنب و بسیروما بعه‌ای برای کارگران این کارخانه بود.

مسئله دیگری که در مورد این رفتار قابل ذکر است اینست که چون مبارزه آنها به یک مبارزه طبقاتی همراه با نوده‌ها، بلکه مبارزه‌ای روشنفکرانه و جدا رتوده‌ها بود، به آن بطور جدی برخورد نمی‌شد.

سببه از صفحه ۴

از جناح ...

که برای بهرکردن وضع کنساروزی طرح بدهند. این طرح و بررسی به روز بطول می‌انجامد. روز آخر این جلسه (۵۸/۱۱/۲۸) مصادف بوده با روزیکه برمدی آن شورای مرکزی انتخاب می‌گردید. چون عکبریه و عوام مل مرتجع دیگر احتمال قوی میدادند که به غیر از نمایندگان کارکنان در شورای مرکزی انتخاب خواهند شد، دست به توطئه می‌زنند. آنها در آخر جلسه معنا وین مختلف سه نفر مزبور را نگه می‌دارند تا دیگران بیرون بروند. کسانیکه از جلسه بیرون می‌آمدند دیده‌اند که با ساداری در کنار خیابان و به سادارینیز سوار بر بلندور رکشت و صنعت که در همان نزدیکی پارک شده بود، قرار داشتند. بعد از رفتن حفا ربا ساداران که قبلا در آنجا کمین کرده بودند نما بینده‌ها را رتوده و با خود می‌برند. دوستان سه نما بینده‌ها فردا صبح به انتظار می‌نشینند ولی خبری از آنها نمی‌شود تا بالاخره یکی از کارمندان خبر می‌دهد که فلانی‌ها را با ساداران گرفته و با خود برده‌اند. آنها به سادارین شکر کشت و صنعت که کما ملا در اختیار ساداران گذاشته‌اند است مراجعه میکنند ولی با ساداران اظهار بی اطلاعی می‌نمایند. ولی بعد از سیر ملا شدن این مسئله که نمایندگان بوسیله

کردند. مثلا پس از اینکه آنها را از کارخانه اخراج کردند، بجای نگرانی، شور و علاقه برای برگشتن به سرکار درجا بر خوردند. منفعلانه شدند. معمولا وقتی روشنفکران کارشان را از دست می‌دهند، آسیبی آنچنانی به زندگی‌شان وارد نمی‌شود. در صورتیکه، کارگران و زحمتکشان در چنین حالتی با هشاری، نگرانی، با شور و علاقه و با احساس بخطر افتادن زندگی‌شان در صورت شکست، با آن بطور جدی برخورد می‌کنند.

بهر حال برخورد های کثرتار و منفعلانه رفتار با عد دل‌سردی و نومیدی کارگران مترقی و چپ‌گشته و سندیج تعدادی از آنها با دادن تعهد به سرکار برمی‌گردند! و این شکست دیگری برای آنها محسوب می‌شود. کارگرانی که بداخل برمی‌گردند، می‌گویند: "اینها ما را اغفال کرده بودند!!"

رفقای می‌توانستند با توجه به وضع مالی بدی که کارگران داشتند، مسئله آنها را در جمع خود مطرح کنند و آنها را آگاهانه و با تصمیم خودشان به درون بفرستند، و با این عمل گذشته از جلوگیری از سر خوردگی کارگران اخراجی، به کمک آنها بکار تبلیغی و توضیحی برای جلب حمایت و پشتیبانی کارگران تا غل بپردازند.

این مسئله نشان می‌دهد که این رفتار، حتی با کارگران اخراجی که جز خودشان نبودند نیز کسان توضیحی و آگاهانه به اندازه کافی نکرده‌اند. کارگرانی که در آغاز مبارزه، خود را درست و بحق می‌دانستند، در آخرین روزها در حالیکه دل‌سرد و نومید شده بودند حرکت خود را با دست‌ها گرفته و عقیده داشتند که این سفره بازی است، نه مبارزه! کارگرانی که اگر آموزش لازم را می‌دیدند، بی‌شک به عنوان کمونیست تبدیل می‌شدند.

اشتباه دیگر رفتار این است که با وجود موافقت شور، حاضر به تعهد دادن و بازگشت اکثریت قریب به اتفاق کارگران به سرکار نشدند. آنها تعهد دادن را نوعی خیانت به کارگران دانسته و معتقد بودند که بین کارگران سرافکننده می‌شوند!

سپاه ساداران رتوده شده اند و فشار آشنایان، سپاه ساداران پارس آداب دبه دستگیری نمایندگان اعتراف می‌کنند ولی به هیچ وجه اجازه ملاقات داده نمی‌شود. در طی مدت دستگیری این افراد خا نوده‌های آنها کما ملا بی اطلاع بوده و در توش و نوا حتی بسر برده‌اند. مثلا خواه روزها در یکی از نمایندگان رتوده شده که به محصل اندر طی این مدت گرسنه در خانه به انتظار برادر خود نشسته بودند! دوستان به ترتیبی موفق می‌شوند حدود یک دقیقه دونات نمایندگان را ببینند. با ساداران دو نفر را در یکجا و نفر سوم را که احتمالا شکنجه کرده اند در جای دیگر حبس نموده بودند. بعد از مدتی سیر کارکنان و اقوام آنها بطرف مقر سپاه ساداران شروع میشود، ولی با ساداران به هیچ وجه اجازه ملاقات نمی‌دهند و آخر سر می‌گویند: دستگیری این افراد سو تفاهت بوده و بدین جهت یک ساعت دیگر آزاد خواهند شد. بعد از سیری شدن یک ساعت مردم خواستار آزادی و ملاقات با آنها می‌شوند ولی این بار مسئولین سپاه جواب می‌دهند که: از اینها اسلحه گرفته‌اند و کارشان خیلی مشکل است. بدین جهت امکان ملاقات املا نیست، ولی تحت فشار اقوام و آشنایان افراد رتوده شده، مسئولین سپاه می‌گویند که: فردا ۵۸/۱۲/۱ ساعت ۸ صبح میتوانید به ملاقات آنها بیاید

نه رفتار! این برخورد مشخص با شرایط مشخص نیست. زمانیکه کارگران مخالف برگشت شما بودند، تعداد آن شما شکست بحساب نمی‌آمد. بلکه بشما می‌آموخت که هرگز حرکات شما بزرده جدا از نوده ننمائید. بشما می‌آموخت که کارگران را تنها با کار تبلیغی ترویجی صورانه و قانع کننده و با حرکت از خواستها و نیازها نشان می‌توان بحرکت درآورد، نه با اعمال منفرد جداگانه! در حالیکه کارگران مخالف و یا بی تفاوت نسبت به بازگشت شما هستند، مسئله را طوری تجزیه و تحلیل میکنید که گویا شما پرچمدار مبارزات آنان بوده‌اید و در اوج مبارزات آنها از صفیان خارج شده‌اید، از اینرو آنها شما را خیانتکار دانسته و طرد می‌کنند!

\*\*\*

مسئله مهمی که با بد ذکر شود اینست که ما صحبت و تقمیک حرکت را در پیروزی و یا شکست کوتاه مدت آن نمی‌دانیم. آنچه که مهم است جنبه دراز مدت و اصولی بودن آنست. از این رو اگر حرکت این رفتار با پیروزی نیز همراه می‌شد، یعنی آنها به کارخانه بازمی‌گشتند، باز حرکت آنان غیر اصولی، انحرافی و جدا رتوده بود.

ذکر این نکته بخصوص از آن جهت اهمیت دارد که با نگرش راست روانه‌ای که شکست این حرکت را دستاویزی برای دنباله‌روی از کارگران و تحریک بخشیدن به مبارزات آنان قرار میدهد، مرز بندی می‌نماید.

ما با بدیدون دنباله‌روی از کارگران خواست‌های آنان را ارتقاء داده و در سراه انداختن مبارزات نوده‌ای و نه جدا رتوده و رهبری و هدایت آنان بکوئیم. شکست این رفتار بشرط درس آموزی از آن می‌تواند نطفه پیروزی‌های آینده مبارزات کارگران گردد. با شکست بی‌دلیل تکنیکی شکست، آسرا به عامل پیروزی بدل سازیم و با درس آموزی از این انحرافات و شکستها راه پیروزی مبارزات آینده کارگران و زحمتکشان را هموار نمائیم

و فردا که مراجعه میشود سپاه تمام وقاحت جواب می‌دهد که آنها را دست به اردبیل فرستادیم بعد از مراجعه به دادگاه انقلاب و سپاه ساداران اردبیل آنها نیز بطور کلی اظهار بی اطلاعی میکنند. خبرهای جنبه و گریخته انتشار می‌یابد که رتوده شده‌ها را به تبریز یا متکین شهر برده‌اند. در تبریز نیز بعد از سه روز مراجعه به زندان و دادگاه انقلاب هیچ اثری از آنها بدست نمی‌آید و بالاخره در تبریز نیز جواب صریح می‌دهند که چنین کسانسی اینجا نیستند و تا امروز (۵۸/۱۲/۵) هیچ اثری از نمایندگان کارگران و کارمندان در هیچیک از شهرهای نامبرده نیست.

ما از مردم مبارز ایران، از این قدرت نا تمام از این قاضی عادل می‌خواهیم نه فقط برای آزادی این نمایندگان بلکه برای کوتاه کردن دست این حامیان سرما به‌داران و بسته‌اند اما نمائند. ما تنها و تنها از ملت انقلابی خود استعدا می‌جوئیم.

جمعی از کارگران و کارمندان کشت و صنعت دشت مغان

رونوشت برای هفته نامه‌های کار، پیکار و مجاهد  
★★★

### محاكمه محمدتقی شيرام در آستانه انتخابات توطئه‌اي پيش نيسنت

مجاهدين خلق معرفي نمايند؟ آيا كساني كند در زمان شاه با دلالي و بورس بازي زمين دري ميگيرند شدن بودند امروز مي توانستند امري كه مربوط به يك سازمان انقلابي است دخالت نمايند؟

اما بديرازاين قبا فحق بجا نيب گرفتن حزب جمهوري اسلامي، نوشته‌هاي زهرآگين اين حزب در روزنامه خود عليه ما ركيسنت هاست. در رابطه با محاكمه محمدتقي شيرام روزنامه "ما كيا وليستنه" مقدس مآب اورا سيواتين هاي وطني! تلاش ميكنند در ذهن مردم اين استدلال را فرورده كه ما ركيسنت يعني "ملحد"، و "ملحد" هم همان كسي است كه مبدور... الدم مي باشد. يعني خوش حلال است! آيا اين تاريك گشت به قرون وسطي و جنگهاي طليبي نيسنت. آيا اين را سيبوتين ها ديوانه و اورا زهم دري ايجا دجك مسلمان و كا فرستند كه يك چشمه زان را در كردستان ديديم و چشمه ديگر را در گندم؟ جنگي كه جز وسياست - هاي آمريكا است.

واما يك چيز ديگر وحشي مهم ترو آن اينكه در اين ميان آقاي بنبي صدر چكاره است؟ او كه بقول خودش وانظور كه تا بحال وانمود كرده است مخالف اينگونه شيوه هاست چكار مي كند؟ آيا او مخالف محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه انتخابات است؟ اگر هست پس چرا اعلام نسي كند؟ آيا او پسران نشان دان "ده دردم" از قاطعتي خود در گندم كند منجر بسند كشتا ز خلق تركمن و رهيان آن شده است باز هم مي تواندمودنيا به چهره واقعي خود را در پوش ننگه داريم او در مقابل اين سوال كه چرا در عرض ۶ ماه تمام محمدتقي شيرام در زندان انفرادي و در بيد تريبونر شرايط جسمي و روحي قرار داده شده و تا احوال نيافته براي بيكبا رهم كه شده با غنا و ده اش ملاقات كند، چه پاسخي دارد؟ آيا او در اين مدت عضو "شوراي انقلاب" ومسئول در برابر نظامي عملكردهاي اجرائي شده است؟

مسموم و تبا خود به ذهن وانديشه آنان ميسادرت ووزند. محاكمه شيرام در اين شرايط حساس هيج هديني جز مقابل با بله با نيروهاي انقلابي ميهن رزمند - كان سازمان مجاهدين و انقلابيون ما ركيسنت - لنينيسنت در بريندا شده و ندارد. ارتجاع زخم خورده مي كوشد تا بدين ترتيب ذهن نوده ها را نسبت به پيشروان رزمنده اش مغشوش نموده و از اين رهگذر به انزوای آنها برداخته و راه را براي تصرف چند كرسی پارلمان توسط خودش هموار سازد...

هيا هوي تسليفا تي كه اين روزها روزنامه جمهوري اسلامي ارگان اين حزب براه انداخته و به بزرگ كردن هر چه بيشتر جريان محاكمه شيرام و آه و ناله عوامي مغربيا نه براي انقلابيون شهيد - "شريف واقفي" و "مدد ليا ف" "سر داده است همه وهمه تبارزين حركت طلبانه است.

لذا ما ضمن هشدار به كليبه توده هاي انقلابي و مبارزميهنمان، به سازمان مجاهدين خلق ايران، به غنا و ده شهداي اين سازمان، بخصوص به خانواده - هاي شهدا، شريف واقفي و صمد به ليا ف و كليبه نيرو - هاي مبارز و دمومكورات، از آنها مي خواهيم كه با خوشياري تمام دست به افشاي توطئه هاي خائسانه اين رسوا شدگان معلوم الحال زده و در اين مرحله

محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه انتخابات حساب شوري ملي آغا زميگر کرد. اين محاكمه كه بطور حساب شده اي براي تسليفات عليه ما ركيسنت - لنينيسنت ها و زجمله سازمان ما و همجنين سازمان مجاهدين خلق ايران صورت ميگيرد يكبار ديگر چهره ما كيا وليستنه اي هيشت خا كهم را كه در حزب جمهوري اسلامي ... لانته كرده اند، زبريده ميرون مياندازد. روزنامه حزب جمهوري اسلامي در اين ميان آشكارتر و عريان تر از هر كس ديگري اهداف پليد خود را به نمايش مي گذارد. و با استدلالات قرون وسطايي و كهينه پرستانه و بوسيده خود كوش ميكنند كه با پيرا هين عثمان كردن جريانات دروني يك سازمان انقلابي به خونخواهي مجاهدين شهيد شريف واقفي و صمد به ليا ف بشنيدند. در حاليكه خود امروز با چماق داران و شعبان بي مخ هاي جديد نظيرهاي غفاري وساواكي - ها و لومين ها هي كه به خدمت خود در آورده است در حق مجاهدين خلق از هيچگونه آزار و اذيت و فشار و حتى كشتار فرورگذا رنميكنند (ما ركيسنت ها هم كه جاي خود دارند).

شايد اگر چنين نمايشي چند ما پيش با جيرا درمي آمد بسياري از توده ها گول قبا فحق بجا نسب حزب جمهوري اسلامي و امثالهم را مي خوردند اما امروز چي؟ آيا امروز كساني كه در ستان به خون - صدها تن از خلقهاي كرد و تركمن و عرب و ... آلوده است ميتوانند چنين وانمود كنند كه دلشان بسياري سازمان مجاهدين خلق ميسوزد؟ آيا كساني كه بي - شرمانه ترين اتهامات را به سازمان مجاهدين خلق مي زنند و مسعود رجوي مبارز با اميران نظام خائن يكان مي گيرند، مي توانند خود را دوست مجاهدين خلق وانمود سازند؟ آيا كساني كه مجاهدين را زنداني مي كند و بعد از طريق تريبونر ها و وسايلي كه در اختيار دارند عوامي مغربيا نه توده ها را عليه مجاهدين تحريك مي كند نمي توانند خود را دوست خلق و دوست

سرمداران ما كيا وليست و فريبكار اين حزب كه براي رسيدن به اهداف پليد و فذ خلق شان از توسل به هر دستا ويزي كوئاي ندارند و آشكارا هر وسيله اي را با هدف توجيه مي كندند، امروز ببحوي هر چه فاسد تر شان را انقلابيون و تا بودي مخالفان خود را در دستور قرار داده اند. سرمداران اين حزب از طريق ارتجاع حاكم زيكسوما هان زنده و رزمند - كان ساليان دراز ما هيا در زندان نگاه داشته و عليه همزمان ديگر آنها توطئه مي كند و از سوي ديگر تحت نام خونخواهي مجاهدين شهيد، هر روز صحنه اي ديگري آفريزند.

ترتيب محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه بر - گزاري انتخابات مجلس بطور مشخص از جمله كا را كتر - ها و صحنه پرديزهاي خائسانه عوامي مغربيا نه اين - دارودسته ما كيا وليست و مرتجع است. آزان مي - خاوند و نديداي كوشنده كيا تشكيل به اصطلاح داد - گاه در اين شرايط و در واقع با ترتيب همان بيهاد - گاهي هاي فذ خلق شان هشا هي با زهم به مغشوش كردن ذهن توده ها و بديبين كردن آنان نسبت به نيروهاي انقلابي و مبارز ما مع به بردا زند.

آنان با محاكمه شيرام مي خاوند توده هاي تا - آگاه را هر چه بيشتر در لاک تو همتا خود فرورده و سر - پا به نا آگاهي آنان به فرورويختن هر چه بيشتر افكار

آغاز محاكمه محمدتقي شيرام در آستانه انتخابات و فشا رهاي روحي و جسمي كه در مدت ۶ ماه اخير به او وارد آورده اند، بحق صد اي اعتراض نيروهاي انقلابي و مترقي را بلند كرده است. در اينجا قسمت - هائي از اعلاميه "كميته پشتيباني از انقلابيون و مبارزان زنداني" را ملاحظه مي كنيد:

### توده هاي رزمنده و انقلابي!

### خانواده هاي انقلابيون شهيد!

### انقلابيون ما ركيسنت -

### لنينيسنت!

از قبا م شكوه مند به من ما كه منجر به درهم ريختن پا به هاي رزميد يكتا تور - فاشيسني رزمي محمد رضا شايي دشويه نكسته شدن ديوارهاي مخوف زندانها و شكجگه هاي قرون وسطايي رزميشا هاشان انا ميد تكمي نكند شده بود كه هيشت خا كهمه جديد براي مقابله با مبارزان دمومكوراتيك و عا دلانه توده ها و سر كسوب نيروهاي رزمنده و مبارز با زسازي ارگانهاي اعمال قهر ارتجاعي خود، ارتش، ساوا، ما، پليس و برگردن زندانها ارتعنا صرا انقلابي پرداخت.

حمله چماق داران به نظا هرات و تحمض هاي كار - كزي و نيروهاي مترقي، حمله هاشان آميز و فاشيسني عتا مرتجع و صا انقلابي به غنا و ده شهدا و تحمضهاي آنها، ترور بعضي ارتعنا صرا مبارز و انقلابي در شهران و شهرستانها و با لايحه دستگيري و شكجعه عده زيادي از مبارزين و انقلابيون شناخته شده زجمله عملكردهاي اين حاكمان جديد بود.

محمدتقي شيرام عضو همري سابق بخش منشعب از سازمان مجاهدين خلق ايران نيز در زمره افرادي بوده كه توسط عتا صرا معلوم الحال رزمي و پيربا - سياستهاي با دنده دستگير شده و تا بحال كه حدود ۸ ماه از دستگيريش مي گذرد، هيج گونه اطلاع دقيقي از سرنوشت او در دست نيسنت و حتى خا نواده وي موفق به بيك بار ديده رهم با وي نشده است.

اخباري كه تا بحال از سا هيا چالهاي "جمهوري اسلامي" به ميرون نفوذ كرده، خاكي از آنست كه در اين مدت اين مبارز قديمي تحت شديد ترين فشارهاي جسمي و روحي قرار گرفته و مرتجعين جمهوري اسلامي، اين كارگزاران جديد سرما به بارها و بارها بخصوص در مورد ردي كه مسائلي حاد در جامعه جريان دانشه است برا و فشار آورده اند كه بر عليه نيروهاي مترقي و انقلابي، از جمله سازمان مجاهدين خلق ايران و نيروهاي ما ركيسنت - لنينيسنت موقع گيري نمايند، كه او تا بحال به اين خواست فذ خلق آنها با سخ منفي داده و تمام شكجعه هاي رواني آنها را از جمله ساختن صحنه هاي تصني متعدد اعدام... تحمصل كرده است.

و امروز ما شا دهه ستيم كه در آستانه انتخابات و در زماني كه نيروهاي مترقي و مبارز مردمی در حال بسيج عمومي براي افشا و نشان دادن ماهيت كارگزاران جديد است "حزب جمهوري اسلامي" و عمل شناخته شده سرما به در و قق پا ره ارگان اين حزب دست بيك سري تسليفات و بسيع تر عليه نيروهاي خلقی زده و حتى در پشت ماسك دفاع از مجاهدين، حملات خائسانه اي را عليه اين نيروهاي مبارز و منجمله مجاهدين و انقلابيون ما ركيسنت - لنينيسنت شروع كرده است.

### سازمان "سیاسی ایدئولوژیک" توطئه ای دیگر برای تفتیش عقاید در درون ارتش

روزیکننده ۱۲ بهمن ماه همکاران من در سازمان و طبقه دربار دکان امام حسن (فرج آباد سابق) یک آکبیر بیست و دو نفر آن سوسه شده بود. نهاد مسترک ارتش جمهوری اسلامی ایران برای سازمان سیاسی-ایدئولوژیک خود، ۱۵۰ نفر را که دارای شرایط مناسب، سعادت آرزایان است می پذیرد. بدینفرجهندگان طی دوره "حماسی" سعادت پژوهی در کلاس سیاسی-ایدئولوژیک آموزی می بینند و پس از پایان دوره "حماسی" هر کدام از آنها را بدو احدهای مختلف کسبه دانشجویان و طبقه خدمت می کنند بعنوان ماوریت می فرستد!

برای بدجان مردود دست برده "مسئولان ارتش" در فرستادن آنها، فلاحی ها، نادیده ها و... با هم دستی سرکای جدیدان چون جبران ها، سعادت ها و سایر سردر میندان حاکم در ارتش، از سعادت آرزایان با کسب نام نامی گوییده اند تا سیم صد نفر از اینها را "حما" کنند. آنها قبل از هر چیز برای سربراری محدود اصل اظاعه کورگوارانه در ارتش "حما" می سازند اما می دارند تا از آکا همدن بیشتر برت از آن، در جده داران و افسران "خر" ارتش جلوگیری می کنند. بدین منظور سزا و علسا سازمانهای جاسوسی و ضد اطلاعات را در ارتش سازمان کرده اند و حتی به آنها سزا کسفا نکرده و تحت پوششهای مختلف از قبیل سازمان "داوم انقلاب"، "سازمان تبلیغات اسلامی" و "انجمن اسلامی" و... آنها را گسترش داده اند.

سازمان به اصطلاح "سیاسی-ایدئولوژیک" یکی دیگر از نهاد های است که سوسله، آن از آکا هسی را احسان مدهی [فرا در جهت شما شای عنامر سارو آکا و سیز سبازان و طبقه استغاده کرده و هم چنین به سبب معزی سبازان و پیرسل تختت بوسی "آموزش سیاسی-ایدئولوژیک" می پردازد. برای سپهر سانس ما هیبت ارتجاعی این سازمان "سیاسی-ایدئولوژیک" چند سوال نمونه از سوالات آموزی سیاسی-ایدئولوژیک آنرا که در تاریخ ۱۶ بهمن ماه بطور کتبی از اذ و طلبان بعمل آمده را در اینجا می آوریم.

- "سوال ۲ - بوسله علوم تجریمی، وجود خدا را:
- الف - می توان ثابت کرد
  - ب - نمی توان ثابت کرد
  - ج - می توان نفی کرد
  - د - هیچکدام"

حما سببا همان هوشاری انقلابی و مبارزاتی خود سعی در ختنی کردن این توطئه بنما بند. تردیدی نیست که در زندگی مبارزاتی "محمد تقی شهرام" انحرافات و اشتباهاتی رخ نموده است ولی این بدان مفهوم نیست که ما در این لحظه حساب از توطئه چینی های ارتجاع و بنیاد پلیدی در محاکمه این مبارز غافل بنما نمیم.

ما قاطعانه اعلام می داریم که هیئت حاکمه ضد خلقی و حکام شرع ضد انقلاب ایران بهیچوجه صلاحیت و حق محاکمه این انقلابی را ندارند. ما ما ننند همه انقلابیون دیگر بدلیل اشتباهاتی در زندگی

### گزارشی از میتینگ انتخاباتی سازمان

روز پنجشنبه ساعت ۳ بعد از ظهر هزاران تن از مردم مبارز تهران، بدعوت سازمان و برای آشنایی با مواضع سازمان در آستانه انتخابات در ساختمان سابق مجتهدی دانشگاه صنعتی (شریف) گرد آمدند. قبلاً اعلام شده بود که مراسم در سالن ورزش برگزار می شود ولی بدلیل برخورد های فئده مومکراتیک جناح های فائز و حزب توده ای شورای دانشگاه صنعتی (شریف) آنها از دادن سالن خودداری کردند! وما مجبور شدیم مراسم را در ساختمان سابق مجتهدی و در موقعیت بدی از لحاظ جا و سبند گو... برگزار نمائیم. در این مراسم ابتدا خاخرین در اعتراض به کشتار فوجیه رهبران خلق ترکمن بیبا خاستند و یک دقیقه سکوت کردند. سپس قلبیهای مملو از عشق بخلق رکنیه به دشمنان خلق در شعار علیه کشتار خلق ترکمن تبلور یافت و خفا را با دادن شعار این جناحیت را که درست به شیوه محمدرضا تا می صورت گرفته است محکوم نمودند. سپس یک رفیق مواضع سازمان را در مورد انتخابات با تشریح نمود و سپس نماینده کارگران را بیگار تهران که در ضمن کا ندید نما بندگی مجلس شورای ملی نیز می باشد صحبت کرد. سپس از آن رفیق حسینی احمدی روحانی کا ندیدای تهران سازمان شروع به صحبت نمود. خاخرین با شعار: "حسین روحانی کا ندید انقلابی، علیه امپریالیسم" نسبت به وی ایستاد احسانات نمودند. او در طی سخنان خود نخست به شهاده ای از زندگی خود پرداخت و سپس بر نا نه خد اقل سازمان را اعلام نمود. پس از وی رفیق علیرضا

سیاسی آشنائی شروع به صحبت کرد. جمعیت حاضر در اینجا نیز با شعار "علیرضا سیاسی کا ندید انقلابی علیه امپریالیسم" از وی استقبال نمودند. رفیق ابتدا توضیحی در باره اینکده خواندن و مطرح کردن زندگی گذشته کا ندید ها بهیچوجه به معنای مثبت گذاشتن بر سر خلق نیست، بلکه گفتن این واقعیتها برای هر چه بیشتر در جریان قرا رگرفتن توده ها در باره زندگی این رفقا و افشای چهره های خاخره نشین و خاخره نشینی که امروز فرصت طلبان و خاخره نشانه بقدرت خزیده اند، لازم و ضروریست، اشاره کرد. و بعد نطق خود را پیرامون، چرا سر نوشت انقلاب بدینجا کشید، آغاز نمود. در پایان کا ندیدای نما بندگی زحمتکشان از اسلام شهر صحبت کرد. قابل توجه است که بدلیل جوقعلی و موج مخالفی که علیه جریانهای فائزی و ارتجاعی در رابطه با حمله به نظامات مجاهدین و همچنین کشتار سزان خلق ترکمن برخاسته است شهرتانی و پاداران نظام میتینگ را بعد هدا شتند و بنا بر این ما ما تمت از خورفا لانژها در محوطه دانشگاه صنعتی هیچگونه در گیری و برخوردی بوجود نیا مد. این مسئله نشان می دهد که بدون همکاری مستقیم و غیر مستقیم پاداران حمله به اجتماعات نیروهای مترقی و انقلابیون از جانب دار و دسته های فائزی - این چماقداران حرفه ای حزب جمهوری اسلامی، غیر ممکن است و پس از این نیز مسئولیت هر گونه حمله به اجتماعات بعد هدا نیروهای انظامی بخصوص سپاه پاداران میباید شد.

### مردود امپریالیسم آمریکا،

### نماینده جمهوری اسلامی ایران

### در کنفرانس R.C.D

رژیم جمهوری اسلامی اخیراً "عدنان مزارعی" یکی از مهره های شناخته شده رژیم مزدور شاه و از عوامل امپریالیسم آمریکا در ایران را بعنوان نماینده خود برای شرکت در جلسات کنفرانس امپریالیستی "پیمان اقتصاد R.C.D" فرستاده است! عدنان مزارعی (استاد سابق دانشگاه اقتصاد دانشگاه تهران)، بعد از قیام بهمین ماه بجرم سربردگی به امپریالیسم آمریکا توسط شورای هماهنگی دانشگاه اقتصاد خارج شد. در زمان رژیم شاه و وظایف خاخرانه این مزدور، شرکت در پیا پی کرده کردن "اصل چهار رترومن" مشاورت اقتصادی سفارت آمریکا در ایران "مؤسسه و طراح پیا پی کرده کردن توطئه" به اصطلاح "دفاع غیر - نظامی" از جانب رکن ۲ ارتش در ادارات بود.

بکارگرفتن چنین مهره خوش خدمت و آزموده شده ای توسط هیئت حاکمه ضد خلقی کنونی هیچ تعجبی را بر نمی انگیزد. مگر نه این است که کنفرانس R.C.D یکی از گردهم آیی امپریالیسم آمریکا برای گسترش سلطه اقتصادی خود بر کشورهای وابسته خاخره میانه و از جمله ایران بوده است؟ پس چه کم بهتر از "عدنان مزارعی"!

کمیته پشتیبانی از انقلابیون و مبارزان زندانی  
۵۸/۱۲/۵

- "سوال ۹ - مارکس، ما ترالیسم را از چه کسی گرفته است؟
- الف - هگل
  - ب - فوئوباخ
  - ج - ارسطو
  - د - پرودون
- "سوال ۲۶ - ولایت فقیه:
- الف - با حاکمیت ملی منافات دارد
  - ب - پذیرش رهبری معصوم است
  - ج - دیکتاتوری آخوندیسم است
  - د - هیچکدام"
- توضیح اینکده و طلبین می بایست یکی از جوابهای چهارگانه، هر کدام از سوالات فوق را که بنظرشان درست می آید انتخاب می کردند! بدین ترتیب از طریق چنین سوالاتی، تا حد امکان عقاید سیاسی و ایدئولوژیک افراد را شناختی می کنند تا علاوه بر دست چینی کردن عناصر منافات برای مقاصد ضد خلقی خود، عناصر آگاه را نیز شناخته و تحت نظر قرار دهند.

مبارزاتی شهرام میارزه ایدئولوژی با او زار درون جنبش انقلابی تا کید می نمائیم. ما برآنیم که تصمیم گیری در مورد شهرام نه در صلاحیت ارتجاع بلکه صرفاً در توان و صلاحیت نیرو های انقلابی مارکسیست - لنینیست و دمومکرات جامعه است.

مایک با رد دیگر از همه خانواده های شهدای سازمان مجاهدین خلق ایران، دمومکراتهای انقلابی، انقلابیون مارکسیست - لنینیست می خواهیم که در افشای اهداف فلید ارتجاع از تشکیل به اصطلاح دادگاه و محمدمتقی شهرام اهتمام ورزند.



### پیروزی دیپلمه‌های بیکار

**رامهرمز -** روز ۵۸/۱۱/۱۵ دیپلمه‌های بیکار را مهرمزد در محل فرمانداری رامهرمزدست به تحمّن زدند (عده شرکت کنندگان در تحمّن حدود ۲۰۰ - ۲۵۰ نفر بود) تا روز ۵۸/۱۱/۲۱ حدود ۲۰۰ گروه انجمن و سازمان از این اقدام دیپلمه‌های بیکار را مهرمزبشتمبناشی کردند. دیپلمه‌ها بدنبال اخطار قبلی از روز ۵۸/۱۱/۲۳ در گروه‌های ۱۰ نفری دست به اعتصاب غذای کردند.

در این روزها وجود تلاش‌های مذسوحا نه‌بایداران سرما به "بختی" تعابیده‌اندستان اهاوز در رامهرمز مردم حمایت وسیع خود را از دیپلمه‌ها اعلام کرده‌و با شعارهایی از قبیل:

کار برای کارگر، زمین برای بزرگوار، بجا دیا بسد کرده‌ت بایدار، بایدار حامی سرما به‌دار - ارتجاع، ارتجاع عامل امیربالیسم - ای دیپلمه‌بیکار، ای بارصوف ما، هرگز نکن سازش، گزینرتو فرورآرند رگبار مسلسل را - زحمتکشان بدانید دیپلمه‌بیکار است، ساواکی سرکار است

از آنها پشتیبانی کرده‌و آنها را به‌بایداری تشویق میکردند و سرانجام نیز مسئولان امور با توجه به بیکارچی صوف دیپلمه‌های بیکار رویشتمبناسی مردم از آنها مجبور شدند به خواسته‌های آنها پاسخ مثبت دهند.

بعدا از این پیروزی، راهبیمائی بزرگی در شهر بیکار آرد که شعارهای زیر داده‌میشد:  
دیپلمه‌ها رزمیدند، بایداران لرزیدند!  
دیپلمه‌های بیکار، بیروشتان مبارک!  
حرکت بیکار چه مردم و دیپلمه‌های بیکار، بار دیگر مشت محکمی بر دهان ارتجاع کوبید و نشان داد که حق گرفتاری است نه دادنی و آنچه در این راه لازم است اتحاد است و تشکل. (بقتل از صمیمه محلسی بیکار - کمیته خوزستان شماره ۱۱).

### چرا رژیم جمهوری اسلامی

#### از انقلابیون می‌ترسد؟

#### ● چرا ضد انقلابیون و خائنین را

#### بکار میگیرند؟

#### ● خان خود فروخته احمد رضا کریمی

#### کجاست؟

اینکه در رژیم کنونی بسیاری از اعمال آمریکا و مزدوران خونخوار و روجبا و لگور رژیم‌ها به سرکار هستند، حرف تازه‌ای نیست.

بیمارها کرها، دریا دار مدنی‌ها، دریا دار علوی‌ها راه‌می‌شناسند. قضیه دکتر شیخ الاسلام زاده‌ها راه‌هم همه میدانند. عفو و اکیها و آدمکشان حرفه‌ای رژیم‌ها را توده‌های شنمیده‌ما شنیده‌اند و از شدت خشم بغوی بیچیده‌اند...

بیکار گرفتار ساواکیها برای پایه‌ریزی "ساوا" (ساواک جدید) بدست‌امثال چمران و صادق طباطبائی

### تحصن دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان همدان و فشار عوامل ارتجاع

حالیکه بعضی از آنها بحالت اغما به بیمارستان منتقل شده بودند در تاریخ ۵۸/۱۲/۸ با صدور اعلامیه‌ای به تحصن و اعتصاب غذای خود با بیان میدهند. اما مدتی پس از ورود به سالن بجای بررسی خواسته‌های بیکاران، عمل آنها را تقبیح نموده و میگوید: در این شرایط که دولت مبارزه غذا میریالیستی

صفحه ۴  
یکشنبه ۵ اسفند ماه ۱۳۵۸  
مقام رییسی الثاني ۱۴۰۰ - شماره ۳۰۰۳۳

## کیمیا

بخت، اعتصاب غذا

### ۱۲ نفر از متحصنین همدان به بیمارستان منتقل

همان سخنرانی که در تهران ۱۲ نفر از فارغ التحصیلان بیکار همدان که از یکشنبه گذشته در شهرناری این شهر دست به اعتصاب غذا کرده‌اند، به حالت اغما افتادند و به بیمارستان اکباتان منتقل شدند. متحصنین در اعتراض به اعلام داشتند تا استانیار، مدیران کل ادارات، قضات دادگستری، امام جمعه همدان،

شورای دانش آموزان  
دو روز تعطیل

میکند، عمل شما بیفعدا انقلاب تمام میشود و چون شما جوان و ندادن بودید من از گناهتان چشم پوشی می‌کنم!! آنگاه جمله‌ها شنیده شده "شما به دولت فرصت دهید...". "رابعنوان راه حل مطرح میکند. متحصنین ضمن اعتراض به سخنان وی میگویند که ما به تحصن خود ادامه میدهم و مدتی با وقاحت میگوید: "منهم مردم را در مقابلتان قرار میدهم...". وی همچنین با خواست دیگر بیکاران که با زکشت دانش - آموزان اخراجی بود موافقت نکرده میگوید: "تنها با بدتنبیه شوند!" مدتی حتی اجازه نمیدهد که بیکاران خواسته‌هایشان را قرائت کنند.

سرانجام دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار همدان در برابر فشار عوامل ارتجاع و حوسومومی که علیه آنها ایجاد شده بود، بمنظور جلوگیری از درگیری به کار خود با بیان دادند، آنها اگرچه در این مرحله موفق نشدند به خواسته‌های خود دست یابند، اما تاجرب فراوانی بدست آوردند که بی شک میتواند در حرکت‌های بعدی آنها را همنامایشان باشد. ■

ما هها پس از قیام مبهم ما در خوزستان پیدا کرده‌ه دست کمیته‌ها سپردند.

اما رژیم جمهوری اسلامی بنا بر این خاشن چه کرده است؟! و امروز با زهم‌متا و ربا زجوه‌ای رژیم جدید است و گاه بعنوان زندانی سیاسی جهت خیرچینی و حرف کشیدن از انقلابیون زندانی مورد استفاده قرار میگیرد. خبری حاکی از این است که در جریان تهاجم به کردستان میخواستند انا و را بعنوان بازجو در کنار امثال لخلالی بی‌ان منطقه اعزام دارند و ولی این مسئله با مخالفت برخی از با‌داران که هنوز خود را کلاملا به‌فدا انقلاب نفروخته‌اند مواجه میشود و مسئولین امر از ترس بر ملا شدن این توطئه پلید، از این کار منصرف میشوند.

باید گفت: چشم توده‌ها از این بهره‌ای که از انقلاب خود برده‌اند، روشن! راستی چه چیز مشترکی بین آدمکشان و خاشن رژیم سابق و رژیم کنونی وجود دارد؟



بدنبال بی توجهی مسئولین به خواسته‌های بحق دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار همدان، حدود ۲۰۰ نفر از آنها روز ۵۸/۱۱/۲۸ در سالن شهرداری ایمن شهردست به تحصن و اعتصاب غذا زدند. از همان روز - های اول تحصن گروه‌های آزمردم، بخصوص دانش - آموزان با مراجعه به سالن شهرداری پشتیبانی خود را از متحصنین اعلام نمودند. از طرف دیگر عوامل ارتجاع از طرق مختلف از جمله تهدید، توهین و... و تحریک مردم ناآگاه و کوشیدند تحصن آنها را بشکست بکشند. اینان از سردرماندگی عده‌ای از دانش - آموزان سال چهارم نظری دبیرستانهای همدان را که از بیکاران متحصن پشتیبانی کرده بودند از مدرسه اخراج نمودند. بایداران با صلاح انقلاب نیز تهدید کردند که اگر به تحصن خود ادامه دهند، چاقو داران را علیه آنها بسیج خواهند کرد. اما با وجود همه این توطئه‌ها دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار به تحصن خود ادامه دادند. بعضی از خواسته‌های آنها عبارتند از:

- ۱ - ایجاد کارهای تولیدی (کشاورزی) صنعتی، مواد غذایی و عمرانی و خدماتی.
- ۲ - پرداخت حق بیکاری تا ایجاد کار مناسب بسر اساس هزینه متوسط زندگی.
- ۳ - رفع هرگونه تبعیض استخدامی بین زن و مرد.
- ۴ - ما از کلیه دانش‌آموزان که در رابطه با حمایت از تحصن ما اخراج گردیده‌اند پشتیبانی کرده‌و خواستار بازگرداندن آنها به کلاس‌های درس می‌باشیم.
- ۵ - ما خواستار معادله کلیه اموال سرمایه داران وابسته به امیربالیسم هستیم.

در جریان اعتصاب غذا و تحصن دیپلمه‌ها و فارغ التحصیلان بیکار همدان، آیت‌الله مدنی نماینده آیت‌الله خمینی در تبریز به همدان می‌آید. شورای نمایندگان بیکاران از وی میخواستند که محل تحصن آمده و به خواسته‌های آنها توجه کند، ولی وی اعلام میکند که در صورت تشکستن اعتصاب غذا و تحصن بیمان آنها خواهد رفت. متحصنین پس از ۱۱ روز اعتصاب غذا و در

و شناسائی انقلابیون و استفاده از خاشن به خلق برای سرکوب نیروهای مترقی را بارها شنیده‌ایم. یک نمونه تازه استفاده از خاشن و خودفروختگان رژیم‌ها بیکار گرفتن خاشن معروف احمد رضا کریمی است.

احمد رضا کریمی در سال ۵۱ نظا هربه طرفداری از مجاهدین خلق میکرد و پس از دستگیری خبا نته‌ها کرد. او پیش از دستگیری آنها را بطور پراکنده و از دوران کودکی میشناخت و اغلب آنها صرفاً مخالف رژیم‌ها بودند و در فعالیت‌های مخفی و انقلابی هم شرکت نمی‌نمادند. دلخواه او آنها را به زیر شکنجه فرستاد. او آنقدر وقیح بود که یک افسر آگاهی راه‌هم که به او گفته بود: "دیگر دلودان بی‌است" به رسوای ساواک لو داد. او با بازجویی ساواک و کمیته شهریاری همکاری فعال داشت. ماما به تلو بیرونی شرم‌آور او را در ۱۶ بهمن ۵۲ بسپاری بسپار دادند.

این خاشن خود فروخته را توده‌ها و عناصر انقلابی

### گرامی باد خاطره رفیق شهید هایده (حوریه) بازگان



- آشنائی و هواداری از سازمان مجاهدین خلق ایران ۱۳۴۹
- فعالیت افشا گرانه و آگاه گرانه توده ای همراه
- با خانواده های زندانیان سیاسی ۱۳۵۰
- ادامه فعالیت مبارزاتی در خارج کشور ۱۳۵۲ - ۱۳۵۴
- مبارزه هم دوش با خلق فلسطین و خدمت در هلال احمر فلسطین
- در جریان جنگ لبنان و فرار گرفتن در موضع مارکسیستی لنینیستی ۱۳۵۴
- ادامه مبارزه در جبهه نبرد انقلابیون عمانی با ارتجاع و
- امیرالایسم و کار در دفتر سازمان در عدن ۵۵ - ۱۳۵۴
- بازگشت مخفانه به ایران و شهادت : نیمه اسفند ۱۳۵۵

دست امیرالایسم، صهیونیسم و ارتجاع از منطقه ما قطع خواهد شد. این پیروزی حتمی و اخلاقیای قهرمان منطقه تضمین خواهد کرد.

ایران آمده و با وجود آنکه به تهران رسیدند ولی سر قرارهای ارتباطی خود را فراموش نکردند. اطلاعات بعدی نشان داد که آنها خود را در دام پلیس تشخیص داده و سعی کرده اند مجدداً از کشور خارج شوند ولی در نزدیکیهای مرز بازگان به دام پلیس دژخیم شاه افتادند به شهادت میرستند.

با درفیق حوریه بازگان و همزمش رفیق مرتضی خاموشی را گرامی می‌داریم. آنها با عمل انقلابی خود، با فداکاری و از جان گذشتگی خویش نشان دادند که تا چه اندازه به آرمان زحمتکشان وفا دارند، تا چه اندازه علیه امیرالایسم و رژیم دست نشانده آن و کلیه مرتجعین کینه دارند و آماده اند که در راه مبارزه جهت برکنار کردن ریشه دشمنان خلق خون خویش را تقدیم دارند.

رفیق حوریه بازگان از جمله زنان انقلابی میهن ما است که دشواریهای طاقت فرسای مبارزه در آن سالهای سیاه را با جان خرد و چشم به دمیدن صبح پیروزی زحمتکشان و بسویزه طبقه کارگر داشت. رفیق یکی از افتخارات زنان زحمتکشان ایرانی در راه رهایی ازستم طبقاتی، ملی و اجتماعی است. زندگی انقلابی او و شور و عشق او به خلق برای مادرش بود، خاطرهای گرامی باد.

رفیق شهید حوریه بازگان در سال ۱۳۴۳ در خانواده‌ای متوسط در مشهد متولد شد و در همین شهر تحصیلات دانشگاهی خود را سپری کرد. آشنائی او با مسائل سیاسی از طریق خانواده و نزدیکی اش صورت گرفت از همین طریقی بود که پس از انتقال به تهران سازمان مجاهدین خلق ایران را شناخت.

در سال ۴۹ در مدرسه دخترانه رفاه مکار میرداخت و با کسانی هاشی که با برخی از اعضای سازمان مجاهدین داشت علاقه‌مندی او به مبارزه انقلابی بیشترند. پس با واک سازمان مجاهدین در اول شهریور ۱۳۵۰ و دستگیری دهیانی از اعضای ورهبران سازمان حرکت مبارزاتی قابل توجهی را پس بقیه اعضا و هواداران موحث شد. رفیق حوریه بازگان همراه با خانواده زندانشان در سال ۵۴ به تهران رفتند و در آنجا به همراهی دیگران در کمیته‌های مختلف و نمایی با مردم و تریخی شخصیهای اجتماعی آروز نمود و در بیخ نیروها بیخ جنبش انقلابی و کارآگاهان که با آنها کار می‌نمودند به عضویت درآمد. سال ۵۴ رفیق حوریه بعنوان نماینده سازمان علمی سازمان مجاهدین فعالیت میکرد. در زمستان ۵۴ بیوسه ماه از آن عازم خارج کشور شد و در بخش خارج از کشور سازمان با اجرای وظایف انقلابی خود پرداخت.

در بهار و تابستان ۵۴ چندین ماه در لبنان در سازمان هلال احمر فلسطین خدمت کرد. در آن زمان جنگ داخلی در این کشور، برای سرکوب جنبش انقلابی فلسطین و نیروهای مترقی لبنانی شدت جریان داشت و رفیق حوریه با اشتیاقی انقلابی به این وظیفه خویش ادامه داد. رفیق فلسطینی که او را دلایل امنیتی بنام فاطمه اهل افغانستان می‌شناختند مصممیت انقلابی او را با خرد دارند. رفیق حوریه طی مصاحبه‌ای که با یک مجله ترفی- خواره لبنانی در همان زمان با نام مستعار داشت وضع خود را چنین توصیف کرد:

"ما انقلابی هستیم و در راه‌های خلق خویش از جنگال امیرالایسم و ارتجاع مبارزه می‌کنیم. جبهه نبرد فلسطین و لبنان در برابر آمریکا، اسرائیل و ارتجاع با جبهه نبرد در میهن ما یکی است. ما دشمن مشترکی داریم و با خلقهای قهرمان فلسطین و لبنان در یک سنگرمی جنگیم. ما با بدد عمل ثابت کنیم که پیروزی خلقهای ما بردشمن با هم پیوندنا گمستن- دارد. مبارزه دوشا دوش خلق عرب و علیه دشمن مشترک و وظیفه ما است و ما به انجام این وظیفه افتخار میکنیم زیستن، جنگیدن و شهادت در کنایه خلق فلسطین برای ما حکیمک و وظیفه و یک آرمان را دارد. اردوگاه فلسطینیها در مرحله صبرا که خانه من در آنجا است را ما نندوخن خودم دوست دارم و یقین دارم که روزی

### توضیح و تصحیح

۱ - در شماره قبلی در تاریخ گذاری نشریه بجای ۶ اسفند، ۷ اسفند نوشته‌ایم که با عرض پوزش تصحیح می‌کنیم.

۲ - در شماره قبلی نشریه در مقاله "مجا هدیسن در دام توهمات لیبرالی" در رابطه با نحوه برخورد مجا هدیسن با آمده بود که (بویزه) اینکه در حال حاضر تحریف وقایع و دروغ‌نویسی کم‌وبیش بیک شیوه رهبری مجا هدیسن تبدیل شده است) در اینجا منظور ما نحوه برخورد این سازمان با مسائل درونسی سازمان مجا هدیسن از سال ۵۴ - ۵۲ و بخش منشعب می‌باشد و نه چیز دیگر. بدین وسیله برای جلوگیری از هرگونه سوء تفاهم و سوءاستفاده‌ها کید می‌شود.

۳ - در پیکار شماره ۴۳ بجای عکس مربوط به صفحه ۵ ویزنه ما قیام ۳۰ بواسطه اشتباهی پیوست عکس که چند خط عربی است چاپ شده است.

### فعالیت هواداران سازمان، در خارج کشور

هواداران سازمان بیکار در راه آزادی طبقه کارگر در خارج از کشور، در ادامه فعالیت‌های مبارز - اشی خود برای معرفی جنبش انقلابی و کمونیستی میهن و در دفاع از جنبش دمکراتیک - فدا می‌ریسند - لبستی و جنبش انقلابی کارگران اخیراً دست‌نترجمه مقالاتی از هفته‌ها می‌بیکار به زبان انگلیسی زده - اند. ما این اقدام رفقا را خدمتی در راه گسترش جنبش انقلابی و کمونیستی ارزیابی کرده و با سپاس امیدواریم این رفقا هم در زمینه معرفی جنبش ایران و هم در ادامه عرضه دستاوردهای جنبش انقلابی و کمونیستی جهانی به زحمتکشان ایران موفق باشند.

**نان مسکن آزادی**

## معرفی کاندید سازمان در بندرانزلی



### رفیق مسعود پورکریم

رفیق مسعود پورکریم در سال ۱۳۲۶ در بندر انزلی و در خانواده‌ای فقیر چشم به جهان گشود. از همان ابتدای نوجوانی بخاطر سرکوب جنابکارانه مبارزین ازمالیهای ۳۲ بعد، که سرخی از افوا و آسایان رفیق را نیز در سر می گرفت با مسائل سیاسی و جنابات رژیم آشنائی پیدا کرد. در دوره دبیرستان با شرکت در جلسات مذهبی - سیاسی به مسائل و دردهای جامعه آگاهی بیشتری یافت و با کسب آگاهی‌های سیاسی و توجه به اینکه خود نیز با سختی و رنج آشنائی داشت، هر چه بیشتر عشق به زحمتگزاران و دردل خود می پروراند. عشق به کارگران، عشق به صیادان و رنج کشیده بندرانزلی که همواره در زیر سرکوب و ستم حکمه پوئان و مزدوران شیلات قسار داشتند.

پس از پایان دوره دبیرستان بعنوان سپاهی دانش بیکی از دهات اطراف شهرستان نقره رفت. آن دوره همزمان با سرکوب خلق کرد از جانب رژیم شاه تا به مؤذور بود. رفیق در اینجا نیز با همبشترشاهد اختلاف طبقاتی و فقر زحمتگزاران در جامعه بود. و خود را هر چه بیشتر برای مبارزه علیه ستم و رژیم که باعث این دردها و رنجها بود آماده میکرد. پس از پایان این دوره، رفیق در شرکت فیلمین شعبه گیلان استخدام گردید، در اینجا نیز با میثوانت از نزدیک با آنچه قیلا راجع به آن مطالعه کرده بود، یعنی سرمایه داری وابسته و ما هیبت انگلی آن، بهتر آشنا گردید و در شنیده رگوتنه آتتمنا دمصرف را در مقابل فقرتوده‌های خلق مشاهده نمود. در این دوره و پیش از هروقت دیگر بندنیل راه جدی و انقلابی مبارزه می گشت و سرانجام در بهار سال ۵۵ گمشده خود را یافت. در این زمان او توانست به همراه محفلی که در آن کار میکرد با سازمان مجاهدین خلق ارتباط برقرار کند. و تحت آموزش این سازمان قرار گیرد. پس از شهریور سال ۵۵ و ضربه پلیس به سازمان با اینکه

بیشتر از چند ماه از ارتباط او با سازمان نمی گذشت بدستور سازمان در بهار شیزه‌ها ن سال مخفی شد، و به عنوان یک انقلابی حرفه‌ای دوره نویسی از مبارزه علیه امپریالیسم و رژیم سرمایه داری وابسته شاه

- در سال ۱۳۲۶ در بندرانزلی متولد شد.
- در بهار سال ۱۳۵۰ با سازمان مجاهدین خلق تماس گرفت.
- در پاییز سال ۱۳۵۰ مخفی و مبارزه علیه رژیم شاه را بطور حرفه‌ای آغاز کرد.
- تا سال ۱۳۵۳ در عملیات نظامی نظیر عملیات انفجاری در اعتراض به سفر سلطان قاپوس به ایران و بانک عمران (شاه) شرکت کرد.
- در جریان تغییر و تحولات درونی، ایدئولوژی طبقه کارگر را قبول و به بخش منشعب پیوست.
- از پاییز سال ۵۳ تا پاییز سال ۵۴ برای ارتباط با کارگران در کارخانه‌ها کار کرد.
- در کارخانه‌های پلاستی ران، صنایع فلزی طاهری، ایران سو بیج، تولیدی پارس مثال، کفش وین، کفش بلا به همراه هزاران کارگر دیگر به کار پرداخت.
- در زمستان سال ۵۵ با مامورین گشت کیمیتنه با اصطلاح ضد خرابکاری در گریو پس از زخمی کردن یکی از مزدوران موفق به فرار شد.
- در قیام بهمن سال ۵۷ بطور مسلحانه و در کنار خلق علیه رژیم سلطنتی وابسته جنگید.

خاشن و استتمار و ستم طبقاتی را آغاز کرد. در ابتدای شروع مبارزه مخفی، رفیق بدلیل ملاحظیت در کار تکنیکی - نظامی مسئولیت‌ها شئی در این رابطه معینده گرفت. و تا سال ۵۳ در عملیات نظیر عملیات انفجاری هنگام ورود سلطان قاپوس پادشاه مزدور عمان به ایران، انفجار بانک عمران متعلق به بنیاد دپهلوی (شاه) شرکت کرد.

رفیق در جریان تغییر و تحولات درونی سازمان با تکیه بر تمامی دسنا وردهای مبارزاتی خود با ایمان به این حقیقت که تنها ایدئولوژی طبقه کارگر می‌تواند چراغ راه آزادی و استقلال واقعی خلق و مجواستتمار در جامعه کرده، به بخش منشعب پیوست. از این پس او با هدف کار سیاسی - تشکیلاتی در میان کارگران به کارخانه رفت، و مدت زیادی را در رابطه نزدیک با کارگرانی که در کنار کوره‌های ذوب فلزات و در زیر سقفهای پرده و دریدترین شرایط کار، به تولید می پرداختند، کار کرد. از آنها آموخت و تجارب خود را در اختیار سازمان گذاشت.

رفیق پس از پاییز سال ۵۳ تا پاییز سال ۵۵ و در بدترین شرایط امنیتی در حالی که مانند دیگر رفقای مخفی سازمان مورد پیگرداداشی مامورین ساواک قرار داشت، در کارخانه‌های پلاستی ران، صنایع

فلزی طاهری، ایران سو بیج، تولیدی پارس مثال، کفش وین و کارخانه کفش بلا به همراه هزاران کارگر دیگر به کار پرداخت و بدین ترتیب به کار سیاسی - تشکیلاتی سازمان در رابطه با طبقه کارگر و در حدی که منشی حاکم بر سازمان احازمی داد کمک نمود. این دوره برای رفیق آموزشهای گرانبهاشی را در بر داشت. این دوره از او یک مبارز جدی و مقاوم ساخت. در این دوره رفیق با آراشه تحلیل‌ها و مطالعات خود در میان کارگران کمک زیادی به شاخه کارگری سازمان می نمود.

در زمستان سال ۵۵ رفیق مسعود پورکریم در خیابان هفت جنا (پارسا) تهران مورد سوءظن مامورین گشت کیمیتنه به اصطلاح ضد خرابکاری قرار گرفت. مامورین که قصد دستگیری رفیق را داشتند با آتش تلیک رفیق مواجه شدند و موضع دفاعی گرفتند رفیق مسعود پورکریم در جریان این جنگ و گریز موفق شد از زخمی کردن یکی از مامورین مزدور کیمیتنه داغ دستگیری خود را بردل آنان بگذارد و سالم از صحنه فرار کند. و در جریان مبارزه ایدئولوژیست درون سازمان که از آغاز سال ۵۶ علیه نقطه نظرات نا درست درون سازمانی آغاز گردیده بود، فعالانه شرکت داشت و پس از موفقیت این مبارزه در درون سازمان پسکا در راه آزادی طبقه کارگر به فعالیت خود ادامه داد. رفیق مسعود پورکریم در قیام بهمن سال ۵۵ بهمن ماه در کنار خلق و بطور مسلحانه حضور داشت. روز ۲۳ بهمن رفیق هنگام حرکت در شهر و زمانیکه عازم کمک به رزمندگان خلق در یکی از مناطق تهران بود توسط مامورین کیمیتنه اما به محل کیمیتنه مرکزی (مدرسه راه) جلب شد. مسئولین وقت دولت موفق از فرار در دست رفیق سو استفاده کردند و او و رفیق دیگری را که همراه او بود خلع سلاح نمودند. آنها حتی سلاح سازمانی رفیق را که در زمان شاه با خون دل و ستار خون شهیدایمان بدست آورده بودیم از او گرفتند! و بدین ترتیب نشان دادند که دوست بیگانه جویان وفادار به خلق نیستند!

**رفقای هوادار!**  
**دوستان مبارز!**  
در آستانه انتخابات مجلس شورای ملی  
یکی از شروط موفقیت مادر پیشبرد  
برنامه‌های سیاسی - تبلیغاتی خود،  
حل مسئله مالی است.  
کمک‌های مالی خود را از هر طریق  
که می‌توانید بدست ما برسانید.

## مسائل انقلاب را تنها انقلابیون می‌توانند حل کنند، نه عافیت جویان



رئیس فاسم عابدینی  
(سروگرد)



رئیس محمدخلیلی  
(سفر)



رئیس شمس فاردی  
(سند)



رئیس حسن احمدی روحایی  
(تهران)



رئیس شمس ساسی  
(تهران)



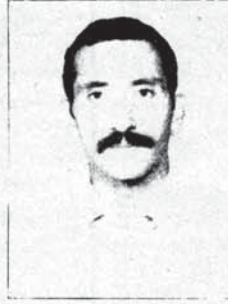
رئیس محمد میرجلالی پور  
(تبریز)



رئیس حبیب سدا احمدیان  
(تبریز)



رئیس ستاری حمدرزاد  
(تهران)



رئیس سروش (حسن) آلاوس  
(تهران)



رئیس محمود بورکریه  
(سدراسرائیل)

## برنامه کاندیداهای سازمان پیکار در راه آزادی طبقه کارگر در مورد:

(بنقل از ژورنوس برنامه حداقل سازمان)

- - تأمین مسکن رایگان، از طریق مصادره کلیه واحدهای بزرگ ساختمانی و اراضی شهری متعلق به سرمایه داران بزرگ و وابسته و کمک و سرمایه - گذاری دولت انقلابی در این زمینه .
- - تأمین بهداشت و درمان رایگان .
- - تأمین آموزش رایگان از سطح کودکان تا دانشگاه و اجباری بودن آموزش تا پایان دوره راهنمایی .
- - اسکان عشا بیرون امین شرایط مساعد کار (کشا ورزی و دامداری و...) ، مسکن، بهداشت و آموزش رایگان برای آنها

### پی ریزی نظام اقتصادی بر پایه منافع کارگران و زحمتکشان

- - وظیفه برنا مه ریزی اقتصادی، مالکیت و کنترل کلیه منابع و موسسات بزرگ مالی، صنعتی، کشا ورزی، معدنی، سازگاری و خدمات سرمایه و در اختیار دولت انقلابی خواهد بود. دولت انقلابی موظف است که سمت گیری سوسیالیستی در اقتصاد را به منظور پی ریزی تا لوده نظام سوسیالیستی آینده اکتفا بر اعانت نماید .
- - حمایت از سرمایه گذار ریهای کوچک در جا رجوب برنا مه ریزی اقتصادی دولت انقلابی و جلوگیری از ورود محصولات خارجی که امکان تولید آن در داخل وجود دارد .
- - اقدام فوری به برقراری نظارت و کنترل از طرف شوراهای انقلابی کارگران بر تولید اجتماعی و توزیع محصولات و نظارت بر تدوین قانون کار انقلابی .
- - مصادره اراضی، بنا عها، شهرها، قنوات و جا ههای آب متعلق به زمین داران و مالکین بزرگ و واگذاری آنها به شوراهای انقلابی دهقانان .
- - تأمین کمکهای مالی و فنی به شوراهای انقلابی دهقانان و خرید محصولات کشا ورزی از شوراهای با قیمت مناسب و جلوگیری از ورود کالاهای مشابه از خارج کشور .
- - تشویق خرده مالکان به ایجاد تعاونی های تولید و کمکهای لازم به آنها .
- - لغو تمامی بدهی های دهقانان بدولت ، مالکین بزرگ و سرمایه داران .

### تأمین حقوق و آزادیهای دموکراتیک برای خلق

- - تضمین آزادی تکمیل و فعالیت احزاب ، جمعیت ها و سازمانهای سیاسی انقلابی و مترقی .
- - تضمین آزادی تکمیل و فعالیت سندیکا ها ، اتحادیه ها و سایر سازمانهای صنفی و سیاسی مترقی و انقلابی .
- - تضمین آزادی اجتماعات ، تظاهرات ، راه پیمایی ، اعتصاب و تحصن برای نیروهای خلقی .
- - تأمین آزادی عمده ، مذهب ، بیان ، قلم و مطبوعات مترقی و انقلابی و رفع هرگونه تبعیض نومی و مذهبی .
- - تأمین برابری کامل حقوق زنان و مردان در کلیه زمینه های اجتماعی ، سیاسی ، اجتماعی و فرهنگی .
- - برابری هرگونه سهم ملی و ناسا ملی حق خلقها در تعیین سرنوشت خویش ، اتحاد و وظایف و برابری در خلقها از طریق برقراری خودمختاری خلق - ها در جا رجوب ایرانی مستقل و دموکراتیک به مفهوم واگذاری حق اداره کلیه امور منطقه به شورای مرکزی انقلابی خلقها ، بجز امور مربوط به برنا مه ریزی عمومی اقتصادی ، تجارت خارجی ، دفاع ملی و سیاست خارجی که به عهده دولت انقلابی مرکزی است .
- - تأمین حق رای همگانی ، مساوی ، مستقیم و مخفی در انتخابات نمایندگان شوراهای انقلابی خلق در کلیه سطوح کشوری .

### تأمین رفاه عمومی زحمتکشان (شهر و روستا)

- - ایجاد کارخانه و صنایع برای همه کارگران .
- - جلوگیری از کار اطفال و کهنسالان .
- - تأمین حداقل دستمزد متناسب با هزینه وسط زندگی .
- - تأمین حقوق اوقات بیکاری ، بیماری ، از کارافتادگی و بازنشستگی .
- - برقراری ۴۰ ساعت کار و روز تعطیل در هفته و یکماه مرخصی سالانه .